



موسسه آموزش عالی علوم انسانی

## تحقیق پایانی دوره کارشناسی

(رشته مدیریت و معارف اسلامی)

عنوان:

### سبک رهبری شهید مزاری (ره)



بنیاد استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر واثق

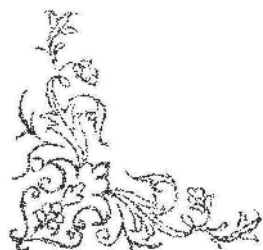
دانش پژوه:

حسین اسماعیلی

شهریور ۱۳۹۳

## فصل اول:

# زندگینامه



## زندگینامه رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری<sup>۱</sup>

### دوران کودکی

رهبر شهید عبدالعلی مزاری در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی در روستای نانوایی چهار کنت از توابع ولایت بلخ چشم به جهان گشود. پدرش حاجی خداداد زراعت پیشه و مالدار بود.

در دورانی که عبدالعلی مزاری به دنیا آمد، خانواده ی او چون بسیاری های دیگر در زمستان به قشلاق و در تابستان به بیلاق می رفتند. عبدالعلی نیز چون دیگر اطفال در دامداری و زراعت به خانواده کمک می کرد. دروس ابتدایی را زمستان ها در مدرسه ی نانوایی فرا گرفت. سپس به صورت تمام وقت تعلیمات دینی را در مدرسه چهارکنت و مزار شریف ادامه داد.

عبدالعلی در نوجوانی، پر شور و دلیر بود. وقتی در مدرسه ی چهارکنت درس می خواند، به انتقاد از بی کفایتی مسوولین مدرسه پرداخت و در یک مورد خواستار تقسیم گندم مدرسه میان طلاب فقیر شد. وقتی مسوولین به اعتراضات او و طلاب توجه نکردند، عبدالعلی با جمعی از دوستانش قفل انبار مدرسه را شکستند و به دست خود گندم را میان طلاب فقیر توزیع کردند.

---

۱- تهیه کننده جعفر عطایی.

### آشنایی با مبارزان

رهبر شهید هنوز بیست ساله نشده بود که با چهره مبارز زمانش شهید اسماعیل بلخی از نزدیک آشنا شد. بلخی، عبدالعلی جوان را تشویق به تداوم تحصیل و خدمت عسکری کرد.

### عسکری و ادامه تحصیل

در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی رهبر شهید به خدمت عسکری رفت و دوران عسکری را در کابل، خوست و گردیز سپری کرد. در ضمن خدمت، درسش را نیز نزد یک مولوی سنی مذهب افغان ادامه داد. خدمت سربازی برای مزاری بسیار آموزنده بود. از یکسو به او کمک کرد تا با محرومیت هزاره های دیگر مناطق افغانستان آشنایی بیشتر پیدا کند و از سوی دیگر محرومیت اقوام غیر هزاره کشور را نیز از نزدیک مشاهده نماید. علاوه بر این، بیش از پیش با ساختار پر از فساد و تبعیض دولت حاکم آشنا گردد.

### مهاجرت به ایران

عبدالعلی با ختم خدمت سربازی مدت کوتاهی در افغانستان ماند. بعد چون بسیاری های دیگر برای ادامه ی تحصیلاتش به ایران رفت. در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی قم را به عنوان محل تحصیلش انتخاب کرد. این سالها در ایران اوج مبارزات ضد شاهنشاهی بود. مبارزات ضد سلطنتی مردم ایران و فضای سیاسی و فکری آن روز حوزه علمیه قم، مزاری را بیشتر از گذشته به فعالیت های سیاسی و جریان های انقلابی علاقمند ساخت. نظام فرسوده ی شاهی افغانستان بدتر از شاهنشاهی ایران غرق فساد بود. او افغانستان و محرومیت ها را دیده بود. با حلقات مبارزان شیعه و هزاره افغانستان ارتباط و دوستی نزدیک داشت.

بنابراین مزاری در مدت کوتاهی با رهبران انقلاب ایران آشنا شد. سفری به نجف رفت و با آیت الله خمینی(ره) از نزدیک دیدار کرد. بعد از سفر نخستش چندین بار دیگر نیز به نجف رفت و آمد نمود.

سال های اقامت مزاری در ایران، عراق، سوریه، پاکستان و ترکیه پر از شور و تلاش بود. رهبر شهید در کنار فعالیت های سیاسی و همکاری و همفکری با شخصیت های رده اول انقلاب، در سال ۱۳۵۵ هـ ش موفق شد تا درس سطوح حوزه را به پایان برساند.

### شهید مزاری در زندان اوین

سرانجام فعالیت های گسترده سیاسی «رهبر شهید» باعث بازداشت او توسط سازمان امنیت و اطلاعات کشور ایران شد و او را چندین ماه در زندان اوین تهران زندانی و شکنجه کردند. تا اینکه در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی توسط ساواک از ایران اخراج شد.

### اخراج از ایران و بازگشت مجدد

مزاری به کابل رفت و در کابل با دیگر مبارزان شیعه و هزاره اقدام به تشدید فعالیت های سیاسی و فرهنگی نمود. از جمله کتابخانه ای در شهر مزار شریف ایجاد کرد.

در خزان ۱۳۵۶ هجری شمسی برای بار دوم به ایران سفر کرد. چون در ایران تحت تعقیب و ممنوع الورد بود، مجبور شد که به نام بدل و به صورت مخفیانه وارد ایران شود. برای جلوگیری از بازداشت دوباره توسط «ساواک» جای ثابتی برای اقامت نداشت و مدام در رفت و آمد میان کشورهای عراق، ایران، سوریه، ترکیه و پاکستان بود.

### مبارزه مسلحانه و تأسیس سازمان نصر

در سال ۱۳۵۷ هـ.ش تحولات بزرگی در منطقه روی داد. در ایران انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و در افغانستان کودتای هفت ثور اتفاق افتاد. به دنبال کودتای هفت ثور و قیام سه حوت ۱۳۵۷ مردم چهارکنت، «رهبر شهید» به زادگاهش برگشت و در کنار مجاهدین به جنگ مسلحانه با دولت خلق و پرچم و متجاوزان شوروی پرداخت. در همین سال ها با همکاری و هماهنگی جمع کثیری از مبارزان شیعه و هزاره سازمان نصر افغانستان را بنیان گذاشتند.

### تشکیل حزب وحدت

رهبر شهید در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی برای اکمال و تدارکات جبهات دوباره مجبور شد تا به خارج سفر کند. بعد در سال ۱۳۶۵ به افغانستان بازگشت و این بار تلاش نمود تا جبهات گوناگون و بعضاً متخاصم را متحد سازد. در این راستا تقریباً از تمام جبهات مجاهدین هزاره بازدید کرد. ثمره تلاش او و بسیاری از دیگر فرماندهان و رهبران جبهات جامعه هزاره در سال ۱۳۶۸ به ثمر نشست. تقریباً تمام احزاب سیاسی هزاره در بامیان با امضای «میثاق وحدت» حزب وحدت اسلامی افغانستان را بنیاد گذاشتند. تشکیل حزب وحدت اسلامی همانگونه که در تاریخ جامعه هزاره برجسته و ماندگار است. «رهبر شهید» را نیز وارد مرحله ای تازه از زندگی سیاسی-فکری اش کرد.

در سال ۱۳۶۸ هجری شمسی با تثبیت جایگاه حزب وحدت در داخل، «رهبر شهید» همراه دیگر رهبران جامعه هزاره برای معرفی بیشتر حزب وحدت و مشوره با مردم و مسوولین خارج از کشور، به پاکستان و بعد به ایران سفر کردند. این سفر تقریباً تا سال ۱۳۷۰ هجری شمسی ادامه یافت. در این

مدت، هیأت حزب وحدت با استقبال پر شور و بی سابقه ی مهاجرین خارج از کشور روبرو شدند و اکثر مسؤولین خارج از کشور احزاب جامعه ی هزاره از تشکیل حزب وحدت استقبال و حمایت کردند. در این مقطع تنها شیخ آصف محسنی قندهاری، رهبر حرکت اسلامی افغانستان با تشکیل حزب وحدت به بهانه های مختلف مخالفت نمود و تا پایان حاضر به همکاری نشد.

«رهبر شهید» در سال ۱۳۷۰ ه.ش تصمیم گرفت که از طریق ولایت فراه به هزاره جات بازگردد. در مسیر راه کاروان «رهبر شهید» در ولایت فراه مورد حمله دشمن قرار گرفت و برای مدت طولانی از سرنوشت ایشان اطلاعی در دست نبود. در این مدت، شخصی از علمای پشتو زبان و اهل سنت به نام محمد علی فراهی از دوستان دوران عسکری «رهبر شهید» به ایشان پناه داد تا زمینه برای رفتن به بامیان فراهم شود.

### خروج نیروهای شوروی از افغانستان

شورای مرکزی حزب وحدت در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی، عبدالعلی مزاری را رسماً به عنوان دبیرکل شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی انتخاب کرد. این انتخاب در وقتی صورت گرفت که از سرنوشت ایشان در ولایت فراه اطلاع دقیقی در دست نبود.

در اوایل زمستان ۱۳۷۰ هجری شمسی «رهبر شهید» بعد از پشت سرگذاشتن خطرات بسیار از طریق ولایت فراه خود را به بامیان رساند. چندی بعد از این، هیأتی به نمایندگی از نظامیان سه قوم از بیک، تاجیک و هزاره در دولت کابل با حزب وحدت اسلامی تماس گرفتند. «رهبر شهید» و حزب وحدت در ضمن حمایت از قیام آنان، هیأتی را به تالقان و پنجشیر فرستاد تا با احمد شاه مسعود و دیگر فرماندهان جمعیت اسلامی در این راستا هماهنگی

کنند.

سرانجام به دنبال هماهنگی و همکاری حزب وحدت، شورای نظار و نیروهای ازبک و ترکمن قیام بر ضد دولت نجیب از صفحات شمال آغاز شد و در مدت کوتاهی دولت در سرتاسر افغانستان سقوط کرد و کابل نیز به دست نیروهای مخالف دولت افتاد.

### رهبری مقاومت غرب کابل

«رهبر شهید» به دنبال سقوط دولت از طریق مزار شریف وارد کابل شد و در غرب کابل مستقر گرد.

استقرار شهید مزاری در کابل، سر آغاز مقاومت پر افتخاری است که در تاریخ جامعه ی هزاره و افغانستان تعبیر به «مقاومت غرب کابل» می شود. پیروزی مجاهدین، سقوط دولت نجیب و به قدرت رسیدن دولت ربانی محصول همکاری و هماهنگی سه جریان حزب وحدت، شورای نظار و نیروهای جامعه ازبک و ترکمن بود. اما شورای نظار بعد از جابجایی در کابل بر خلاف تصور همه در صدد حذف متحدین دیروزین خود- حزب وحدت اسلامی و جنبش ملی اسلامی- برآمد. هزاره ها و ازبکها و ترکمنها با جان نثاری و قبول خطرات بسیار زمینه را برای به قدرت رسیدن دولت ربانی فراهم کردند و شورای نظار با تکیه به این دو نیرو جایگاه خویش را در کابل در برابر حزب اسلامی و دیگر رقبانش تحکیم بخشید. اما با این وجود، انحصار طلبی و تمامیت خواهی شورای نظار به حدی اوج گرفته بود که از درک این واقعیت بسیط عاجز بودند و نمی توانستند درک کنند که بدون نیروهایی که آنان را به قدرت رسانیده بودند، توان اداره کشور را ندارند.

در نتیجه، شهید مزاری بر خلاف تصورات پیشینش در غرب کابل رهبری



مقاومت بر ضد دولتی را بر عهده گرفت که در پیروزی آن خود نقش محوری و تعیین کننده داشت. مقاومت حزب وحدت بر ضد تهاجمات دولت ربانی تقریباً سه سال به درازا کشید. در این مدت، تشکیل شورای هماهنگی متشکل از حزب وحدت، جنبش ملی-اسلامی، حزب اسلامی و جبهه نجات از ابتکارات «رهبر شهید» بود. حزب وحدت در برابر تهاجمات سنگین دولت ربانی که عموماً از هوا و زمین صورت می‌گرفت یکی از بی نظیرترین مقاومت‌های تاریخ کشور را در برابر دولت‌های مزدور و خودکامه به یادگار گذاشت.

دولت ربانی علاوه بر تحمیل جنگ‌های خونین و تصفیه قومی در بعضی محله‌های غرب کابل، تلاش نمود تا حزب وحدت را از درون متلاشی کند. با هزینه بسیار عناصری را در درون حزب وحدت پرورش داد که منجر به جنگ ۲۳ سنبله ۱۳۷۳ شد. ۲۳ سنبله با تمام سختی‌ها و تلخی‌هایی که برای مقاومت غرب کابل داشت در فرجام عملیاتی ناموفق برای دولت ربانی بود.

### پایان مقاومت غرب کابل

در اواخر سال ۱۳۷۳ جنبش نوظهور طالبان تا نزدیکی‌های کابل پیشروی کردند. ظهور طالبان تمام معادلات قدرت در افغانستان و مخصوصاً در کابل و اطراف آن را دگرگون نمود.

«رهبر شهید» در آغاز با فرستادن بخشی از زبده‌ترین نیروهای خویش به ولایت غزنی به مقاومت در برابر پیشروی طالبان پرداخت. نیروهای اعزامی حزب وحدت در آغاز موفق شدند مواضع طالبان را در اطراف شهر غزنی متصرف شوند. اما به دنبال عدم همکاری نیروهای محلی آنان نتوانستند جبهه‌ای موثر بر ضد طالبان در غزنی فعال سازند.

با شکست طرح فعال ساختن جبهه در ولایت غزنی، «رهبر شهید» مذاکرات با طالبان را که از چندی پیش آغاز شده بود جدی تر دنبال نمود. در عین زمان در تلاش بود تا به توافقاتی با دولت ربانی نیز دست یابد.

با کنار رفتن حزب اسلامی و مستقر شدن طالبان در چهار آسیاب، غرب کابل در محاصره کامل قرار گرفت. «رهبر شهید» تلاش بسیار نمود تا با یکی از دو طرف به توافق برسد. تلاش ها در راستای توافق با دولت و پیشنهاد دفاع مشترک بی نتیجه بود. در آخرین روزهای مقاومت غرب کابل، نیروهای دولتی حملات بسیار شدیدی را از مناطق مختلف بالای غرب کابل از زمین و هوا آغاز کردند. در این جنگ ها بر خلاف گذشته از یکسو حزب وحدت در محاصره و تمام راه های اکمالاتش را از دست داده بود و از سوی دیگر در برابر حملات دولت تنها دفاع می کرد. حزب اسلامی کاملاً از خطوط اول عقب نشینی کرده بود و نیروهای جنبش نیز کارآیی سابق خود را نداشتند.

سرانجام با وجود تلاش های مداوم سیاسی و مقاومت بی نظیر نظامی، حزب وحدت اسلامی در غرب کابل شکست خورد و رهبر شهید در ۲۲ حوت ۱۳۷۳ در چهارآسیاب به دست طالبان به شهادت رسید.

### تشیع پیکر شهید مزاری (ره) از غزنی تا مزار

شهادت مزاری جامعه هزاره را تکان داد. طالبان تلاش نمود تا از پذیرش مسوولیت شهادت «رهبر شهید» شانه خالی کنند و شهادت او را بیشتر یک سانحه هوایی و نمود سازند.

باری، عاقبت مزاری در ۲۲ حوت ۱۳۷۳ شهید شد. مقاومت غرب کابل شکست خورد. هزاره ها در پایان یک صد سالگی مقاومت خویش بزرگ ترین رهبر تاریخ معاصرشان را از دست دادند. اما مزاری از غزنی تا بامیان، از

بامیان تا بلخ، از میان دره ها و کوه های سر به فلک کشیده هزارستان با تنی پاره پاره، با چهره ای سرخ، زمستان سفید مردمش را خونین تن کرد تا عدالتخواهی را به دروازه هر خانه قومش ببرد و در زمستان انسانیت و عدالت و در عصر طالبان ستم و دولتمردان جنایت، عدالتخواهی را همیشگی سازد و حقانیت مقاومت برای حق را شهادت دهد. مزاری با خون سرخش عدالت را به گستردگی وطنش به یاد ها داد و در زندگی اش از حق هر شهروند وطنش گفت و با شهادتش درستی این باور خویش را ثبت تاریخ کرد.

سرانجام در آغاز فصل لاله های سرخ ترکستان، در بهار ۱۳۷۴، مزار، مزاری اش را به آغوش کشید، عبدالعلی، فرزند پرشور و دلیرش را که برای همیشه بابه مزاری مردم شده بود<sup>۱</sup>.

روحش شاد، راهش پر رهرو و آرمان های انسانی اش جاودانه باد

#### چکیده‌ای از اندیشه‌های بلند «بابه»

- ما معتقد هستیم که هرکس روی تمامیت ارضی افغانستان و روی وحدت ملی افغانستان فکر می کند، باید با واقعیت‌های عینی جامعه برخورد بکند و تمام جریانات سیاسی و اقوام و ملیت‌ها را در نظر بگیرد.
- ما حقوق همه ملیت‌ها را می خواهیم. حقوق ملیت‌ها به معنای برابری و برادری ملیت‌ها است. این به معنای دشمنی یک برادر نیست. هرکس در راستای دشمنی در افغانستان گام بردارد فاجعه است و آن کس خائن ملی است.
- حاضر هستیم تا آخر، وحدت ملی و تمامیت ارضی را حفظ نماییم.
- تقاضای ما اینست؛ همانطوری که مرد جنگ و مرد بیرون کردن دشمن از کشور بودید، یکبار دیگر در صحنه سیاسی اثبات کنید که مردم افغانستان قدرت

۱- با استفاده از نوشته ها و تحقیقات بصیر احمد دولت ابادی، منبع: بسوی عدالت.

حکومت تشکیل دادن به دلخواهشان را دارند.

• تا مردم افغانستان توجه نکنند و عناصر فرصت طلب را رها نکنند و دور آنان را تخلیه نکنند، مشکل افغانستان حل نمی‌گردد.

• ما فقط یک تعهد داریم که از مردم خود دفاع نماییم.

• حزب وحدت برای ملیت‌های محروم کشور، سهم مساوی در تصمیم‌گیریها می‌خواهد چون انقلاب اسلامی مال همه بوده و همه اقشار مردم در انقلاب شرکت داشتند؛ در تصمیم‌گیری هم طبق نفوسشان شرکت داشته باشند و راه حل مسئله افغانستان را، انتخابات آزاد زیر نظر سازمان ملل می‌داند تعیین واحدهای اداری گذشته را ظالمانه می‌داند و باید آنها طبق نفوس و طبق منافع منطقی تغییر کنند و در انتخابات باید مرد و زن شرکت داشته باشند و سرنوشت شان را تعیین نمایند.

• از نظر تمدن بشری و قوانین بین‌المللی من فکر می‌کنم که امروز یک مسئله پذیرفته شده در سطح جهان است که مطبوعات آزاد باشد و هرکس باید طبق برداشتهای سیاسی و عقیدتی اش، عقیده خود را منعکس نماید.

• ما از کشورهای جهان و سازمان ملل می‌خواهیم که مردم افغانستان را در امر بازسازی و اعمار مجدد افغانستان یاری رسانند.

• معتقدیم که سرشماری دقیق و زیر نظر سازمان ملل از جمعیت افغانستان صورت گرفته و میزان جمعیت‌های انسانی ساکن در کشور مشخص گردد. ما نتیجه این سرشماری را هرچه باشد می‌پذیریم و به همان اندازه که هستیم خواهان سهم‌گیری و مشارکت در ساختار سیاسی کشور هستیم.

• هر طرحی که بدون توجه به واقعیت‌های جامعه افغانستان ارائه شود زمانت اجرایی ندارد.

• هرکس که به حقوق مردم ما احترام گذاشته و خواسته‌های مشروع ما را

بپذیرد ما نیز به او احترام قائلیم و هرگاه به حقوق مردم ما تجاوز شود، در برابر متجاوز خواهیم ایستاد.

• ما امیدواریم که در افغانستان یک حکومت اسلامی که خواسته های تمام مردم افغانستان را تأمین نماید به وجود آمده و منطق اصالت زور و حکومتیایی که می خواهند با زور بر مردم حکومت نمایند نابود گردد.

• تشکیلاتی می تواند جلو تشنجات و برخوردها را بگیرد که در ترکیب آن، همه احزاب جهادی حضور داشته باشد... اگر حوزه های امنیتی وزارت داخله، دفاع و امنیت از همه احزاب نباشد، امنیت تأمین نمی شود. باید همه احزاب در تأمین امنیت شرکت کنند تا جلو اغتشاشات گرفته شود.

• زنان، از کلیه حقوق انسانی برخوردار هستند و می توانند در همه عرصه های حیات اجتماعی - سیاسی کشور فعال باشند، انتخاب شوند و انتخاب کنند. • اگر ملیتی حقوق خود را طلب نموده و خواستار عدالت باشد، به معنای تجزیه نیست. این حق طبیعی مردم است که خواستار حقوق خویش و عدالت باشند.

• هر ملیتی به تناسب واقعیت وجودی و حضور خود در این کشور، در سرنوشت سیاسی خود سهم باشد و این مربوط به یک ملیت خاصی نیست. ملیت های مختلف در این کشور وجود دارند. ما می خواهیم همه ملیت ها همانگونه که در جهاد سهم داشتند و تکالیفی که در طول جهاد پیش آمد، سهم داشتند، شهید دادند و آواره شدند؛ باید در آینده این مملکت هم سهم داشته باشند.

• دولت مردمی وقتی به وجود می آید که انتخابات برگزار شود و این انتخابات آزاد باشد و مردم آزادانه رأی بدهند که در این صورت دولت پایه مردمی پیدا می کند و قانونی است.

- برای برادرها توصیه می‌کنم؛ قانونی نسازند که وحدت ملی را درخطر بیندازد. این یک اصل است. مردم افغانستان یک ونیم میلیون انسان را، برای آزادی این سرزمین، قربانی تقدیم کرده اند، باید احترام این قربانی هارا درنظر بگیرند.
- ثقل مبارزه چهارده ساله را مردم بر دوش خود برداشتند و امروز هم باید مشکلات فعلی را مردم حل نمایند و بیشتر از این اجازه ندهند با سرنوشت شان بازی شود و قهرمانی های شان زیر سؤال قرار بگیرد. مردم باید سرنوشت خویش را خودشان تعیین نمایند.
- اولین سرمایه ای که از دست مردم افغانستان رفت همین متلاشی شدن اردو بود که در هیچ جای دنیا وضعیت به این شکل نبوده است و دستانی هم از خارج در این مسئله دخالت داشت.
- راه حل مسئله افغانستان، پذیرش یکدیگر است. همه اقوام ساکن در افغانستان حداقل سه صد سال در کنار یکدیگر زندگی کرده اند و با همدیگر برادر بوده اند. امروز هم بیایند و حرف یکدیگر را برادر وار بپذیرند و در کنار یکدیگر زندگی کنند.
- ما هیچ وقت با مسئله پوهنتون، بعنوان یک مسئله فرهنگی و یک منبع فرهنگی که حیات مردم افغانستان به آن بستگی دارد، مانع نتراشیدیم و بعنوان یک وظیفه ملی و اسلامی وظیفه ماست که پوهنتون باید باز شود تا نسل جوان افغانستان تحصیل بکند و آینده افغانستان در اختیار این هاست و سرنوشت افغانستان را جوانان افغانستان تعیین می کنند و نباید بیسواد بمانند.
- همیشه جنگ را دیگران علیه ما آغاز کرده اند و ما از خود دفاع کرده ایم و هر وقت طرفهای مقابل ما حاضر به آتش بس شدند ما بدون قید و شرط آنرا پذیرفته ایم و ما تصمیم جنگ نداریم، تا شرایطی برای صلح داشته باشیم.
- ما هر طرحی که رهبران توافق کردند قبول کردیم و هر طرحی که به صلح

و امنیت و آرامش دایمی مردم ما بینجامد آنرا قبول داریم.

- حزب وحدت اسلامی، می خواهد در حکومت آینده تمام ملیت‌ها و اقوام ساکن در کشور، شرکت داشته باشند. همانگونه که در جهاد، تمامی مردم افغانستان سهیم بودند و باید انتخابات زیر نظر سازمان ملل متحد انجام شود. اینکه در آن همه اقشار مردم اعم از زن و مرد در آن شرکت داشته باشند.
- به فکر ما، علت تمام بدبختی‌ها این است که بعضی از رهبران با انحصارطلبی و جاه طلبی برخورد می کنند و هیچ گاه به منافع مردم نمی اندیشند.

- ما معتقدیم که حکومت آینده، نباید روی مذهب و نژاد بوجود آید. باید در حکومت آینده همه به حقوق خود برسند و ما معیار نفوس را که یک معیار بین المللی است معتبر می دانیم و بر همان اساس نفوس از دولت و حکومت آینده خواستار حق خود می باشیم و ما نمی خواهیم روی کسی ظلم کنیم و نخواهیم گذاشت کس دیگری بر ما ظلم کند.

- ما می خواهیم که کلیه ملیت‌های مسلمان این سرزمین، هویت سیاسی داشته باشند و با توافق و شرکت آنها حکومت آینده کشور، سازماندهی شود.

- در گذشته مردم ما از یک محرومیت تاریخی رنج می برده و در تمامی زمینه های سیاسی، فرهنگی، عمرانی و اجتماعی بر آنها ستم روا داشته شده است و انواع گوناگون تبعیض و مظالم، وجود داشته است که همه آنها نتیجه حکومت قبایلی و سیستم انحصاری قدرت بوده است.

- همه مردم افغانستان، در جهاد آزادیبخش ضد روسی شرکت داشته و در تمامی رنج‌ها، مرارت‌ها و مشکلات ناشی از جنگ چهارده ساله، سهم گرفته اند، باید در محصول جهاد نیز همه شریک باشند و مظالم و تبعیضات و ستم‌های گذشته باید مرتفع گردد. این خواست همه مردم افغانستان است و این خواست،

برآورده نمی شود مگر اینکه همه آنان، هویت سیاسی و زیبای سیاسی داشته باشند.

• تا وقتی که حقوق ملیت‌های مسلمان کشور، تأمین نگردد، مشکل افغانستان و اختلافات سیاسی حل نمی گردد. اینکه یک حزب یا یک ملیت، سر دیگران حکومت کرده و بر آنان زور بگوید دوران گذشته است و باید همه احزاب، این حقیقت را درک کنند که تنها با تفاهم و احترام به حقوق یکدیگر، می توان بحران کنونی را مهار نموده، یک حکومت مردمی و اسلامی بوجود آورد.

• انحصار طلبی و زور گویی جز ادامه جنگ و ویرانی و بدنامی برای مجاهدین ثمر دیگری ندارد.

• یگانه چیزی که مردم افغانستان بعد از چهارده سال جنگ، به آن نیاز مبرم دارند، صلح و آرامش است و راه ایجاد صلح و امنیت در کشور، احترام گذاشتن به حق و حقوق تمام ملیت‌های باهم برادر و کسب رضایت تمام قوت‌هاست.

• هدف ما تشکیل یک حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است.

• ما می خواهیم ستم‌های چندین قرنه بر مردم افغانستان پایان یابد و جامعه ای بوجود آید که در آن از تبعیض، برتری گری، تفاخر و افزونخواهی، خبری نباشد و کلیه مردم افغانستان از هر قوم، نژاد و با هر رنگ و زبان، برادرانه و برابر زندگی کنند و حقوق حقه تمام ملیت‌های افغانستان تأمین گردیده و آنها بتوانند متناسب با میزان حضور و نقش شان در جهاد چهارده ساله ضد روسی، در تعیین سرنوشت سیاسی شان، سهم بگیرند.

• خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان است.

• ما بر اساس مصالح و منافع مردم و کشور خود، خود تصمیم می گیریم.



- ما مظلومان تاریخ بودیم؛ ما نمی خواستیم بالای کسی ظلم کنیم، ما می خواستیم از زیر بار ظلم بیرون آییم.
- ما در افغانستان هیچ چیز نداشته ایم و هیچ چیز اضافی نمی خواهیم؛ ما فقط خواسته ایم که غول انحصار را بشکنانیم.
- اگر شما شخصیت تاریخی و سیاسی داشته باشید؛ هیچ گاهی زیر بار زور و ظلم نمی روید و ذلت و تحقیر را تحمل نمی کنید.
- باور من این است که مردم کارساز است. احزاب به هر اندازه که مسلط باشند و سلاح و قدرت داشته باشند در برابر قدرت مردم مؤثر نیستند.
- ریشه اصلی تمام فاجعه ها در کشور؛ انحصار طلبی و نادیده گرفتن حقوق دیگران است.
- باید با واقعیتها و حقیقتهای جامعه، آگاهانه برخورد کنیم و از آنها درس بگیریم.
- دشمنی ملیتها فاجعه بزرگی در افغانستان است. اینجا باید برادری ملیتها مطرح گردد.
- امیدوارم که در افغانستان قهرمان و سربلند نیز منطق دانش و فرهنگ جای تنگ نظری، قلدری و بی ثباتی را بگیرد.
- ما مجبوریم برای مردم خود روشن کنیم که شما آگاه باشید و فریب نخورید.
- حقوق و حرمت اندیشمندان، آزاد فکران و روشنفکران خود را در نظر داشته باشید.
- اگر قانونی تدوین شود که حقوق ملی داخل کشور را تأمین و تضمین نکرده باشد، این قانون اساسی نیست.
- این وظیفه ملی ماست که در برابر کسی که تخلف و خیانت می کند،

ایستاده شویم.

- مبارزه باید در شکلهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی صورت بگیرد تا زمینه استقلال فراهم شود.
- شما از خائنین و از کسانی که در خیانت دست داشتند، هیچ وقت حمایت نکنید.

# فصل چهارم: سبک رهبری شهید مزاری (ره)



بخش اول: رهبری شهید مزاری (ره)

بخش دوم: سبک رهبری شهید مزاری (ره)

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۲

## بخش اول: رهبری شهید مزاری (ره)

### مقدمه:

تاریخ بشری با مجموعه‌ی از فراز و نشیب‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌ها تلخی‌ها و شیرینی‌های خود آوردگانه‌یست برای تبارز و تبلور قوا و استعدادهای نهفته‌ی انسان و ظهور رجال، نوابغ، قهرمانان و شخصیت‌هایی که در اثر قوت اراده، استحکام ایمان، دقت نظر، سعه‌ی صدر و برجستگی‌های فکری و اخلاقی خود جامعه بشری را از حضيض ذلت به اوج عزت رهبری می‌کنند و غالباً خود نیز در این راه قربانی میشوند و همچون شمع میسوزند اما محفل بشریت را روشن و گرم نگه می‌کنند.

پیامبران الهی، پیشوایان معصوم، رهبران انقلابی سرداران و قهرمانان ملی همگی از این دسته هستند و در تاریخ هر قوم و ملتی می‌توان تنی چند از آنان را مشاهده کرد که مورد احترام و تقدیس و تعظیم مردم خود بوده و هر کدام در عصر و زمان خود نقش رهبری جامعه و عامل تحول و تحرک و مایه خیر و برکت و عنصر کنترل‌کننده آن جامعه بوده‌اند نقش این گونه افراد در میان جامعه این است که خود محک و معیار حرکت‌های مثبت و منفی آن جامعه محسوب می‌شوند به گونه‌ای که افراد صالح از آنان هم‌الگو می‌گیرند و هم با عمل نیک خود توسط آنان تشویق و ترغیب می‌گردند اما افراد فاسد و منحرف هم از ترس آنان نمی‌توانند در آن حد لگام گسیخته حرکت کنند که تعادل جامعه را به هم بزنند بنابراین وجود رهبران مقتدر در جامعه عامل حفظ تعادل و توازن و باعث تحول و تکامل آن جامعه بوده و افراد خوب و بد از آنان حساب می‌برند.

در تاریخ کشور افغانستان مخصوصاً در میان شیعیان این سرزمین در هر دوره وزمانی رجالی ظهور کرده‌اند که هریک در مقطع خود برای مردم اسوه و الگو و عامل تحرک و تپش جامعه بوده‌اند. همچون دانشمند و مورخ بزرگ فیض محمد کاتب، ابراهیم‌خان گاوسوار و علامه شهید سیداسماعیل بلخی و در راستای همین رجال بزرگ، شخصیتی پا به عرصه وجود می‌گذارد که واقعا به حیث یک رهبر دلسوز، انقلابی، مقاوم، بادرایت و خردمند برای مردم خود هویت و شخصیت می‌دهد و در دل‌های آنان شعله‌های امید را برمی‌افروزد و به آنان درس عزت و سربلندی و مناعت طبع و علو همت و راه و رسم مبارزه و مقاومت را می‌آموزاند.

او رهبر فرزانه، انقلابی آگاه حضرت حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری (ره) است که در تاریخ ۱۳۷۳/۷/۲۲ به دست گروه عهد شکن و جنایتکار طالبان به

شهادت رسید، قاطعیت، نستوهی، متانت، قناعت، پارسایی، تعهد، تدین، عشق به مردم، سعه‌ی صدر، مقاومت و پایداری و ایمان و اراده‌ی مستحکم و خلل‌ناپذیر، مجموعه‌ی اوصاف است که از وجود برومند او یک رهبر فرزانه و مقتدر انقلابی ساخته بود.

مجموعه اوصاف و ویژگی‌های فردی و اجتماعی استاد شهید و کارنامه‌ی درخشان مبارزاتی ایشان آن قدر سنگین، متنوع و گسترده است که نمی‌توان در اینجا ابعاد گوناگون آن را مطرح کرد، ولی از آنجا که رهبر شهید تربیت یافته مکتب اسلام و اهل بیت است، ابتدا به ویژگی‌های رهبران از دیدگاه اسلام پرداخته و سپس به ویژگی‌های رهبر شهید می‌پردازیم.

### ویژگی رهبران از دیدگاه اسلام:

می‌توان گفت که در اسلام ویژگی‌هایی برای رهبر و مدیر وجود دارد که در دیگر مکاتب نیست و آن این است که در اسلام، رهبر باید دارای ویژگی‌های خاص جسمی و معنوی باشد که دیگران آن را ندارند. یعنی ویژگی رهبری در اسلام بر اساس ارزش‌های انسانی و معنوی شکل می‌گیرد که در مکاتب دیگر زیاد مورد توجه نیست حال از این سیر کلی می‌توان به سازمان رسید که بخشی از نظام اسلامی است یعنی رهبر و مدیر در سازمان باید متخلق به همان صفاتی باشد که رهبر در سطح کل دارد.<sup>۱</sup>

رهبری در اسلام دارای شروطی است تا فرد رهبر بتواند از عهده آنچه به او محول می‌شود بر آید.

ولی به علت کثرت ویژگی‌ها به مهمترین ویژگی‌ها که اسلام اهمیت خاصی نسبت به آنان دارد، به طور خلاصه می‌پردازیم.

### تقوا

از دیدگاه اسلامی اولین شرط یک مدیر و مسئول شایسته این است که دارای تقوی و صفت پرهیزکاری باشد، مراقب باشد که از وی خطا و اشتباه و معصیتی تراوش نکند که این وظیفه‌ی هر فرد مسلمان متعهد است مخصوصاً یک مدیر رهبر که مسئولیت بعضی از امور جامعه را به عهده گرفته است و اگر یک فرد عادی خدای ناخواسته مرتکب معصیت و جرمی گردد فساد او آنقدر نیست که یک مدیر شایسته مرتکب گناه و معصیت گردد و چه بسا بعضی از اوقات یک امر جائز و مباح نسبت به افراد عادی، برای یک مدیر و مسئول مکروه و احیاناً

۱- محمد، دشتی، امام علی و مسائل سیاسی، باب العلم، با استفاده از نرم افزار.

حرام و خلاف شرع باشد «حسنت الابرار سیئات المقرین» بنابراین تقوای مدیر و مسئول محترم یک امر ضروری است و بیش از دیگران موظف به مراعات مقررات و دستورات شرع مقدس می‌باشد. لذا امام علیه‌السلام اولین دستور خود را به جناب مالک (ره) به مسأله تقوی و پرهیزکاری اختصاص می‌دهد.<sup>۱</sup> و می‌گوید: امره بتقوی الله.<sup>۲</sup>

## عدالت

عدالت اساس خیلی از کارها و امور است که با خلل در آن در شروط دیگر رهبر نیز طبق دستورات اسلامی خلل وارد می‌شود زیرا حیات همه امور به عدالت است، اگر در سازمانی عدالت نباشد و مدیر به عدالت رفتار نکند پایه‌های سازمان لرزان خواهد بود و قطعاً فرو خواهد ریخت. همدلی کارمندان و استواری سازمان به عدالت است. اساس سلامت سازمان و نشاط کارمندان با تحقق عدالت است که انگیزه‌ی خدمت به درستی فراهم می‌شود و رحمت و محبت و برکت جامعه را فرا می‌گیرد و تحقق عدالت جز با زمامداری عدالت‌پیشه و دادگر میسر نمی‌شود و امانت حکومت و مدیریت جز با عدالت ادا نمی‌شود. امیر مؤمنان (ع) در مورد عدالت می‌فرماید: «ثلاثه من کن فیہ من الائمه صلح آن یكون اماما؛ اضطلع بامانته اذا عدل فی حکمه و لم یحتجب دون رعیتہ و اقام کتاب الله تعالی فی القریب و البعید».<sup>۳</sup> سه ویژگی است که در هر پیشوایی وجود داشته باشد می‌توان پذیرفت که به امانت خود وفادار مانده است: در حکمش عدالت روا دارد، از مردم خود را نپوشاند، و قوانین الهی را در باره اشخاص دور و نزدیک یکسان برپا دارد. امام علی (ع) شرط عدالت را اصلی‌ترین شرط زمامداری دانسته و مهمترین امور را متوقف بر آن معرفی کرده و فرموده است: لا یصلح الحکم و لا الحدود و لا الجمعه، الا بامام عدل؛<sup>۴</sup> داوری و حکومت و اقامه‌ی حدود و نماز جمعه جز با پیشوای عادل درست نمی‌شود. عدالت گرچند در جوامع دیگر هم وجود دارد اما عدالت در اسلام با عدالت در سازمان‌هایی که مبتنی بر غیر اسلام هستند فرق می‌کند بدین جهت از ویژگی‌های اختصاصی مدیر اسلامی است.

۱- محمود، قوچانی، فرمان حکومتی پیرامون مدیریت، تهران: مرکز آموزشی مدیریت دولتی، ۱۳۷۴. ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۵.

۳- علاءالدین، المتقی الهندی، کنز العمال فی احادیث الاقوال والافعال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق، ج ۵، صص ۷۶۴-۷۶۵.

۴- محمد باقر، مجلسی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق ج ۸۹، ص ۲۵۶.

## اطاعت از خدا

اطاعت فرامین و دستورات الهی یکی از وظائف اولیه هر مسلمانی است که خواهان سعادت ابدی باشد و با توجه به این که انسانها در جامعه هر چه بار و مسئولیت سنگین‌تری داشته باشند طبعاً تکلیف و وظیفه آنان شدیدتر و سنگین‌تر خواهد بود. لذا امام علیه‌السلام از جناب مالک (ره) و یا هر مسئول و مدیر ایثار طاعت (و ایثار طاعته)<sup>۱</sup> را خواسته است و وی را به ایثار سفارش می‌فرماید، یعنی مالکا مبادا خواسته‌ای را بر اطاعت پروردگار مقدم بداری چه خواسته خود باشد یا خواسته پدر و مادر و یا خواسته دوست و رفیق و یا خواسته سفارش‌کنندگان (پارتی) و یا خواسته مسئول مافوق و غیرذلک «لا طاعه لمخلوق فی معصیه الخالق»<sup>۲</sup>. و این خواسته‌ها را در کنار اطاعت خدا نیز قرار مده و اطاعت او را بر تمام خواسته‌ها و سفارشات و اراده‌ها مقدم بدار و چیزی را در کنار اطاعت او مورد توجه خود قرار مده.<sup>۳</sup> یکی از ویژگی‌های اساسی مدیر و رهبر اسلامی همین اطاعت از خداست بدین معنا که اگر امر دایر شود بین اطاعت ذی نفعان و اطاعت خدا مدیر اسلامی اطاعت خدا را مقدم می‌دارد نه اطاعت ذی نفعان را.

## پیروی از قرآن

پیروی از فرامین و دستورات الهی که در قرآن مجید و کتاب آسمانی آمده است چه در تکالیف الزامی و واجبات و چه در کارهای غیرضروری که از مستحبات بشمار می‌آید از مشخصات یک انسان مسلمان متعهد و مومن به خدا و روز رستاخیز است تا چه رسد به یک مدیر و مسئول شایسته نظام؛ زیرا تنها چیزی که انسانها را به سعادت ابدی و همیشگی می‌رساند همان متابعت از قرآن است که نبی اکرم (ص) آن را به عنوان یکی از دو ثقل پس از خود بجای گذاشت و در کنار او ثقل دوم را که اهل بیت عصمت و طهارت (ع) می‌باشند سفارش فرمود و با کنار گذاردن قرآن و بی‌توجهی به آن غیر از شقاوت و گمراهی و تحیر و بیچارگی نصیب انسان نمی‌گردد. بنابر این یک مدیر و مسئول موفق و سعادت‌مند کسی است که قرآن و دستورات وارده در آن را جهت پیروی و متابعت نصب العین خود قرار دهد و کمترین سرپیچی از فرامین قرآن نداشته باشد و پیروی و متابعت از قرآن را سرمشق زندگی خود قرار

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۵.

۲- محمد بن حسن، حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.، ج ۱۱، ص ۴۲۲.

۳- محمود، قوچانی، فرمان حکومتی پیرامون مدیریت، ص ۱۲۴.

داده و بدهد.<sup>۱</sup> و اتباع ما امر به فی کتابه: من فرائضه و سننه، التي لا يسعد احد الا باتباعها، و لا يشقى الا مع جحودها و اضاعتها.<sup>۲</sup> این ویژگی نیز در مدیران غیر اسلامی وجود ندارد و از ویژگی‌های اختصاصی مدیران مسلمان است به این صورت که مدیر در تصمیمات خود باید پیرو قرآن و فرامین قرآن باشد.

در اسلام علاوه بر ویژگی‌های ذاتی که برای رهبر، در مدیریت مطرح شده چون هوش، استعداد و... صفاتی مطرح شده است که در مدیریت به آن توجه نشده است چون عدالت و... پس در اسلام اهتمام خاص به همان صفات مشخصه، شده است که در مدیریت غربی مطرح نیست و با توجه به مطالب مطرح شده به طور کلی می‌توان به این نتیجه رسید که صفات مشخصه در دیدگاه اسلامی تا آنجا که ما تفحص کرده ایم از اهمیت خاصی برخوردار است و بدون آن نمی‌توان به فرد رهبر اطلاق نمود.

### ویژگی‌های شخصیتی شهید مزاری (ره)

در واقع ابعاد تشکیل دهنده شخصیت رهبر شهید را می‌توان به سه دسته از ویژگی‌ها تقسیم‌بندی نمود که عبارتند از: بعد فردی، بعد دینی و بعد اجتماعی که در ادامه به بیان هر یک از این ابعاد خواهیم پرداخت.

### ویژگی‌های فردی شخصیت شهید مزاری (ره)

#### ۱- قاطعیت و شجاعت

بنیاد اندیشه

یکی از ویژگی‌های رهبر شهید (ره) این بود که از شجاعت، قاطعیت و جرأت لازم برخوردار بود. دیدگاه‌ها و مواضعش را با صراحت، بی‌پرده و عریان مطرح می‌کرد و در مواقع لازم تصمیمات مقتضی را می‌گرفت. مقاومت سه ساله‌ی غرب کابل و موضع‌گیری‌های قاطع او در برابر زیادی خواهان و معامله‌گران بر همه ثابت کرد که او از چه جرأت و شجاعت برخوردار بوده است. مرحوم حسین شفاپی در باره این ویژگی رهبر شهید (ره) می‌گوید: «هرگاه تصمیم به کاری می‌گرفت، قاطعانه پشت آن می‌ایستاد و با دلآوری تمام آن را دنبال و تعقیب می‌کرد و از پیامدهای آن تردید و تشویش به دل راه نمی‌داد».<sup>۳</sup>

۱- محمود، قوچانی، فرمان حکومتی پیرامون مدیریت، همان ص ۱۲۵.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- هفته نامه وحدت، ش ۱۹۶، ص ۷.



## ۲- ساده زیستی

رهبر شهید(ره) نیز از بارزترین ویژگی‌اش ساده زیستن بود و در بهره‌مندی از مواهب دنیوی قناعت را پیشه‌ی خود ساخته و در برخورد با دنیا طریقت انبیا و اولیای الهی را سرمشق خود قرار داده بود. یوسف واعظی از یاران رهبر شهید(ره) در این باره می‌گوید: «در طول زندگی‌اش خیلی ساده زندگی کرد و ساده زندگی کردن ویژگی خاص او بود. در همه‌ی مراحل زندگی از غذای ساده استفاده می‌کرد و لباس ساده می‌پوشید و با دوستان و مردم برخورد خودمانی داشت و با تجملات و تشریفات جداً مخالف بود و هر غذایی گیرش می‌آمد، نوش جان می‌کرد و هر لباسی به دستش می‌آمد می‌پوشید و چه بسا لباس کهنه و مستعمل دوستان و هم‌زمانش را می‌پوشید»<sup>۱</sup>.

بصیر احمد دولت آبادی در ارتباط به ساده زیستی و قناعت رهبر شهید(ره) می‌نویسد: «استاد شهید چه در مدرسه‌ی نانوائی چهارکنت و چه در منزل انجیرکوچه حاج زینل قم و چه در منزل دشتیار تهران و چهار راه غفاری قم، همیشه با بچه‌ها یک‌جا غذا می‌خورد و در یک اتاق می‌خوابید. اگر در وقت جماعت حاضر می‌بود، پشت سر هر یک از بچه‌ها نماز می‌خواند و هیچ‌گونه امتیازی برای خود قائل نبود یادم نمی‌آید از کمیت و کیفیت غذا ایرادی گرفته باشد. غذای ساده تهیه می‌کردیم... استاد ظهرها دیر می‌آمد و ما غذا را سر ظهر می‌خوردیم و برای ایشان می‌گذاشتیم؛ زیرا عادت غذا خوردن در بیرون نداشت»<sup>۲</sup>.

## بنیاد اندیشه

نمسی ۱۳۹۱

## ۳- تواضع

یکی از صفات بارز رهبر شهید(ره) تواضع و فروتنی است. او در عین این‌که رهبری مردم شیعه را به عهده داشت و از قدرت برخوردار بود، با مردم رفتار متواضعانه و دلسوزانه داشت و به حرف‌های مردم فروتنانه گوش می‌داد. یوسف واعظی در خاطره‌ای از رهبر شهید(ره) می‌گوید: «در سال شصت و چهار وقت اعزام نیرو یک شب در مرز بیرجند با هم بودیم، نان تمام شده بود. ایشان آستین را بالا زد و از آرد موجود خمیر کرد و بچه‌ها آتش روشن کردند. بهترین نان جبهه را پخت که برای مجاهدین برخوردشان تازگی داشت و به عنوان یادگاری از ایشان عکس‌ها تهیه کردند و هر یکی از مجاهدین در کنار ایشان عکس

۱- حمزه، واعظی، زنده تر از تو کسی نیست، کمیسیون فرهنگی هفته نامه وحدت، سال ۱۳۷۸، ص ۹۵.

۲- همان، ص ۸۳.

گرفتند و این برخورد سبب شده بود که مجاهدین و هم سنگرانشان او را از صمیم قلب دوست داشته در جبهات لقب «بابه» به او داده بودند.<sup>۱</sup>

همین ویژگی رهبر شهید (ره) باعث شده بود که در میان توده مردم نفوذ پیدا کند و مردم او را صمیمانه دوست داشته و از عمق جان به او عشق ورزند و لقب بابه؛ یعنی دلسوز را تنها و تنها زینده‌ی او بدانند.

## ویژگی‌های دینی شخصیت شهید مزاری (ره)

### ۱) دین‌مداری

دین‌مداری و پایبندی به ارزش‌های دینی یکی از ویژگی‌های رهبر شهید (ره) است. او در یک خانواده‌ی مذهبی و متدین به دنیا آمد و برای آشنایی با احکام و ارزش‌های دینی راهی مکتب‌خانه گردیده و برای ادامه‌ی تحصیل علوم دینی هجرت کرده و در حوزه‌ی علمیه قم نزد اساتید به نام آن وقت تلمذ نمود. استاد شهید (ره) به اسلام به عنوان یک مکتب مبارز و انسان ساز و نجات بخش نگریده و سیاست و مبارزه را نیز در چارچوب اصول و ارزش‌های دینی و فرامین و دستورات شریعت اسلام و باورهای اعتقادی مردم ارزیابی می‌کرد. از این رو، در باب وظایف جنبش‌های اصیل و تشکیل امت واحده می‌گوید: «طبق مبانی اسلامی، مسلمانان یک امت واحدند و دارای رهبری واحد که همان اولوالامر باشد که در قرآن آمده. در شرایط اولوالامر از نظر شیعه و سنی اگر درست بررسی شود، چندان اختلافی نیست. گمان می‌کنم که کسی از مسلمانان پیدا نخواهد شد که به امت واحد اسلامی معتقد نباشد، بحث در این است که در شرایط کنونی که استعمار و دشمنان اسلام، سرزمین‌های اسلامی را تکه و پاره نموده و ملت‌ها را از هم جدا ساخته‌اند، تطبیق دادن رهبری واحد چیست و چگونه می‌توان امت واحده به وجود آورد؟ کسانی که در این باره فکر می‌کنند و این همه پراکندگی را مشاهده می‌کنند، با این همه تعدد ملت‌ها و کشورها، این نظر برایشان محال جلوه می‌کند که یک شخص بیاید رهبری این همه جوامع پراکنده را به عهده گیرد و ملت‌ها هم از او اطاعت کنند... در زمان حضرت علی (ع) چند کشور بزرگ اسلامی وجود داشت که تحت اداره‌ی یک حکومت بود... و لذا تشکیل امت واحده‌ی اسلامی محال نیست. رهبری واحد و تشکیل امت واحده در شرایطی میسر خواهد بود که نظام‌های وابسته به استکبار از سرزمین‌های اسلامی دور

۱- حمزه واعظی، زنده تر از تو کسی نیست، همان، ص ۹۵.

ریخته شوند و مرزهای ملیت و قومیت از بین برود.<sup>۱</sup> و در کلام دیگر می‌گوید: «هدف ما تشکیل یک حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است».<sup>۲</sup> این سخنان رهبر شهید (ره) و سایر خطابه‌ها و مصاحبه‌های او، بیان‌گر خط فکری و مبارزاتی‌اش است. منش، و رفتار رهبر شهید (ره) نشان می‌دهد که هرگز او نسبت به دین، شریعت، ارزش‌ها و مقدسات اسلامی بی‌تفاوت نبوده است. اگر آرزویش این بود که حقوق مردم را بگیرد و پس از آن شهید شود، این حقوق را جدای از شریعت و ارزش‌های دینی نمی‌خواست بلکه در چارچوب مبانی اسلامی خواستار آن بود. به عبارت دیگر نگاه او به سیاست از زاویه دین بود و چون نسبت به مسائل مذهبی متعهد و ملتزم بود، تمام رفتار و عملکردهای خود را با دستورات شرع عیار می‌کرد و هرگز حاضر نبود که باورهای دینی‌اش را در زد و بندهای سیاسی وجه المصالحه قرار دهد.

## ۲) حق مداری

یکی از ویژگی‌های «رهبر شهید (ره)» حق محوری او است. مدار و مطاف برای او در حیات ارزشمندش حق و حقیقت بود و منافع شخصی برای او مطرح نبود. از این رو بر خلاف بسیاری که پایه‌های فکری و مشی سیاسی آنان را منافع شخصی ترسیم می‌کند و خودمحور و خودمدارند، از نظر خط فکری و مشی سیاسی دارای اصول خاصی بود و تمام حرکات، ارتباطات و موضع‌گیری‌های خود را بر مدار آن تنظیم می‌کرد و آن «منافع مردم محروم» در سایه‌ی عدالت اجتماعی بود و محور همه‌ی تلاش‌های او تأمین منافع مردم و دفاع از حقوق ستمدیدگان بود، چنان که خود می‌گوید: «ما حقوق ملیت‌های محروم را می‌خواهیم و از آن دفاع می‌کنیم»<sup>۳</sup> و در سخن دیگر می‌گوید: «ما طرفدار برادری میان همه‌ی ملیت‌ها هستیم. برای ملیت‌های افغانستان حقوق مساوی قائل هستیم. حق خواهی برای یک ملت به معنای برادری است».<sup>۴</sup> و در کلام دیگر دارد که: «تعهد کرده‌ام که حق شما را می‌خواهم و تعهد کرده‌ام که در رابطه با حقوق سیاسی و مذهبی شما مردم هیچ‌وقت وارد معامله نشوم و خیانت نکنم».<sup>۵</sup>

۱- یادواره اربعین استاد شهید، ۱۳۷۴/۱/۳۱، ص ۷.

۲- خبر نامه وحدت، ش ۷۳.

۳- همان.

۴- حمزه واعظی، زنده تر از تو کسی نیست، ص ۱۶.

۵- مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، احیای هویت (مجموعه سخنرانی‌های رهبر شهید)، انتشارات سراج، سال ۱۳۷۴، ص ۶۳.

مطالعه‌ی زندگی سراسر افتخارآمیز رهبر شهید (ره) نشان می‌دهد که او با توجه به آموزه‌های دینی در تمام مراحل زندگی و در مقاطع مختلف حیات سیاسی و جهادی، همواره بر محور حق حرکت نموده و شعارش این بود که ما در پای حق و عدالت و حقوق مردم ایستاده می‌شویم، گرچه ممکن است عاقبت این کار اسارت یا شهادت باشد<sup>۱</sup>

همین خصیصه‌ی حق‌محوری رهبر شهید (ره) بود که منافع شخصی برای او مفهومی نداشت و منافعش را در منافع مردم می‌دید چنان که خود به صراحت گفت: «من هیچ منافعی غیر از منافع شما ندارم»<sup>۲</sup>. وجود همین خصلت در او سبب شده بود که مسأله‌ی حب و بغض شخصی یا دوستی و دشمنی شخصی در قاموس زندگی او از واژه‌های مهم‌ل و بی‌معنا و متروک به شمار رود. او به خاطر مسائل شخصی نه حبی داشت و نه بغضی. دوستی‌ها و دشمنی‌های او بر محور آرمان، مکتب، منافع و حقوق مردم بود. هر کس در راه آرمان و مکتب و مردم محروم و احقاق حقوق مذهبی، ملی و سیاسی‌شان قدمی و قلمی برمی‌داشت، از صمیمی‌ترین دوستانش بود و هر کسی بر ضد آرمان، منافع و حقوق مردم گام بر می‌داشت، دشمن آشتی‌ناپذیر او شمرده می‌شد. بنابراین، مدار تولی و تبرای او در عرصه‌ی اجتماعی و سیاسی، منافع، احقاق حقوق مذهبی، ملی و سیاسی مردم ستم‌دیده بود و ملاک و معیار همه‌ی موضع‌گیری‌ها و آشتی‌های او مکتب، مردم و منافع آنان بود.

### ۳) توکل

خداوند سبحان به همه‌ی انسان‌ها دستور داده که در کارهای‌شان به او توکل کنند. «فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا أَنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ»<sup>۳</sup>. توکل به خدا و ایمان به نصرت او یکی از ویژگی‌های رهبر شهید (ره) است. واعظی شهرستانی در باره‌ی این خصلت رهبر شهید (ره) می‌گوید: «ایمان محکم و اعتقاد راسخ به خدا چنان نیرو و قدرت به او داده بود که در برابر همه‌ی حوادث و تحولات و ناملایمات همانند کوه استوار و مقاوم می‌ایستاد و غیر از خداوند از هیچ کس و از هیچ قدرتی هراس نداشت و همیشه تسلیم اراده‌ی خداوند و مشیت الهی بود و بارها می‌گفت آنچه خواست و اراده‌ی خداوند باشد، همان خواهد شد»<sup>۴</sup>. همچنین مرحوم محقق افشار

۱- حمزه واعظی، زنده تر از تو کسی نیست، ص ۱۱۳.

۲- بصیراحمد، دولت آبادی، هزاره‌ها از قتل عام تا احیای هویت، قم، ابتکار دانش، ۱۳۸۵، ص ۲۲۲.

۳- قرآن کریم، یونس: ۸۴.

۴- هفته نامه وحدت، ش ۱۹۶: ۵.

می‌گوید: «او در میدان مبارزه و جهاد با ایمان کامل و توکل به خداوند متعال قدم نهاد. او همیشه امداد غیبی را در کار جهادی‌اش می‌دید. او معتقد بود که خداوند به مؤمنین کمک می‌رساند».<sup>۱</sup> چنان که خود رهبر شهید می‌گوید: «یک چیزی را که... اشتباه کرده بود و بررسی نکرده بود، آن قدرت خدا بود! ما در این جنگ بعد از آن دل‌شکستگی مردم ما، لطف الهی را با چشم سر دیدیم».<sup>۲</sup>

## ۴) اخلاص و صداقت

در فرهنگ اسلام و مکتب اهل‌بیت (ع)، ارزش هر عمل و بهای هر کار در گرو نیت و اخلاص است. پیامبر (ص) فرمود: «پاداش در مقابل خلوص است و قبولی عمل به نیت وابسته است».<sup>۳</sup> و در کلام دیگر فرمود: «اعمال‌تان را برای خدا خالص کنید؛ زیرا خداوند تنها عمل خالص را می‌پذیرد».<sup>۴</sup>

یکی از ویژگی‌های رهبر شهید (ره) که باعث ماندگاری او و تداوم راهش گردیده و علی‌رغم تبلیغات سوء دشمنانش، هر روز بر رهروان راه جاویدش افزوده می‌گردد، اخلاص و صداقت او است. به گفته‌ی هم‌سنگران از روزی که در وادی مبارزه قدم گذارد و برای دفاع از دین، ناموس، وطن در دوران جهاد و احقاق حق محرومان و زجردیدگان در دوران مقاومت، جانش را در کف گذاشت، مخلصانه گام نهاد و به مبارزه به عنوان مسؤلیت اسلامی می‌نگریست بدون این‌که بخواهد از این راه، نام و نشان پیدا کند و به نان و نوایی برسد هرگز به مقام و مادیات به عنوان یک ارزش فکر نمی‌کرد و برای نام و نشان بهایی قائل نبود. سرور دانش در باره‌ی این خصیصه‌ی رهبر شهید (ره) چنین می‌گوید: «مهم‌ترین برجستگی در شخصیت ایشان، عشق و خلوص نسبت به هدف و ایمان تزلزل‌ناپذیر به آرمان‌ها است. استاد مزاری (ره) نسبت به اهداف مبارزه و احقاق حق و مبارزه با ستم و بی‌عدالتی، آن‌چنان عشق‌گدازان و ایمان‌اخلاص‌مندانه داشت که هیچ چیز دیگری نمی‌توانست مانع کار ایشان شود و یا در زندگی او جاذبه ایجاد کند و اصولاً ایشان زندگی خود را وقف مبارزه کرده بود و به عبارت دیگر ایشان زندگی را در مبارزه جست‌وجو می‌کرد

۱- هفته نامه وحدت، ش ۱۹۶: ۲.

۲- مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، احیای هویت، همان، ص ۱۱۳.

۳- نهج الفصاحه، به اهتمام غلام حسین مجیدی، قم، انصاریان، ۱۳۸۵، صفحه ۲۶.

۴- همان

و خاموشی مشعل مبارزه را مساوی با خاموشی فروغ و چراغ زندگی می‌دانست و از همین جاست که نه پول و نه اندوخته‌ی مادی برای او ارزش داشت و نه زن و فرزند و زندگی خانوادگی و علائق عاطفی برای او جاذبه داشت و نه از نام و شهرت و ریاست لذت می‌برد. شیرین‌ترین لحظات زندگی برایش وقتی بود که یک گام به هدف نزدیک‌تر می‌شد و یا یک مانع را از سر راه مبارزه و خدمت به مردم بر می‌داشت.<sup>۱</sup>

## ویژگی‌های اجتماعی شخصیت شهید مزاری (ره)

### ۱) آینده‌نگری

از ویژگی‌های بارز رهبر شهید (ره) آینده‌نگری است. او با نگاهی به گذشته و ظلم و ستم و بی‌عدالتی در نظام سیاسی و اداری کشور و تبعیض نژادی و مذهبی که در دوران حاکمان گذشته بر ملیت‌های محروم و به ویژه هزاره‌ها روا داشته شده بود، برای آینده کشور، طرح‌هایی را برای رفع آن‌ها و ایجاد صلح و ثبات در کشور و زندگی مسالمت‌آمیز همه‌ی اقوام در کنار هم، ارائه نمود. رهبر شهید (ره) برای رفع بی‌عدالتی در مورد نظام سیاسی کشور، نظام فدرالی را پیشنهاد نمود: «ما سیستم فدرالی را که در آن حقوق همه‌ی مردم افغانستان رعایت شده و سیستم انحصار قدرت را در هم می‌شکند، مناسب‌ترین ساختار سیاسی برای آینده سیاسی افغانستان می‌دانیم».<sup>۲</sup> و در سخن دیگر دارد: «اصل اساسی و احیای حقوق ملیت‌ها تنها راهش سیستم فدرالی است که باید افغانستان بر اساس آن اداره شود».<sup>۳</sup> و در مورد رفع بی‌عدالتی و برداشتن تبعیض در زمینه‌ی تقسیمات اداری کشور، رهبر شهید (ره) تشکیلات ولایات و ولسوالی‌ها را بر اساس نفوس پیشنهاد کرده و در مصاحبه‌ی در برج اسد ۱۳۷۱ می‌گوید: «مسأله‌ی دیگری که در اینجا مطرح است، مسأله‌ی تشکیلات اداری و آینده‌ی سیاسی افغانستان است. چون تشکیلات اداری قبلی تشکیلات ظالمانه بوده، حزب وحدت خواهان این مسأله است که تشکیلات سیاسی اداری افغانستان تغییر بکند. اگر انتخابات می‌آید، روی نفوس باشد، رأی ارزش داشته باشد نه منطقه‌ی جغرافیایی. می‌بینیم که مناطق کشور را به شکل استعماری و استبدادی تقسیم کرده‌اند. شما می‌دانید که در مناطق شمال و مناطق مرکزی،

۱- حمزه، واعظی، زنده تر از تو کسی نیست، همان، ص ۱۶۳.

۲- فریاد عدالت، مجموعه مصاحبه‌های استاد مزاری، به کوشش عبدالغفار لعلی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی و آموزشی شهید سجادی، قم، سال ۱۳۷۳، ص ۱۱۳.

۳- بصیراحمد، دولت آبادی، هزاره‌ها از قتل عام تا احیای هویت، همان، ص ۴۲.

ولسوالی‌هایی تا ۱۵۰ یا ۱۶۰ هزار نفوس دارد. از این مناطق هم یک وکیل در مجلس ملی می‌رفتند، از ولسوالی‌هایی که ۵ هزار نفوس و یا بعضی از آن مناطق که ۲۸۰۰ نفر نفوس داشتند هم یک نفر وکیل به مجلس می‌رفت... این، از دید ما یک تقسیمات ظالمانه است و باید عادلانه روی نفوس، ولسوالی بندی شود و ولایات تقسیم و تشکیل شود.<sup>۱</sup>

این طرح‌های رهبر شهید (ره) گرچه در زمینه‌ی نظام سیاسی کشور اجرایی نشد و متأسفانه انحصارطلبی آینده‌ی کشور را تهدید می‌کند، اما در زمینه‌ی انتخابات اجرایی شده است و تعداد نمایندگان بر اساس نفوس ولایات تقسیم بندی شده است؛ به طور مثال از ولایت غزنی به خاطر نفوس زیاد یازده نماینده‌ی زن و مرد به ولسی جرگه راه پیدا می‌کند و از ولایت بادغیس به خاطر داشتن نفوس کم دو نماینده به مجلس می‌رود. اما در زمینه‌ی تقسیمات اداری هرچند با تأسیس دو ولایت یکی در مرکز و دیگری در شمال قدم‌های کوچکی برداشته شده اما تا هنوز مشکلات تقسیمات اداری سر جایش باقی است.

در زمینه‌ی فرهنگی نیز رهبر شهید (ره) برای رفع فقر فرهنگی مردم هزاره در آینده، گام‌های مثبتی را برداشت. او در دوران جهاد، علاوه بر کارهای فرهنگی دیگر و راه‌اندازی مدرسه‌ی علمیه، برای شکوفا شدن استعدادهای فرزندان مستعد مردم و آشناساختن دستان آنان به قلم، مجله‌ی وزین حبل الله، را راه اندازی نمود.

در دوران مقاومت و در زمستان سال تحصیلی ۶۹-۷۰ با تأسیس مجتمع آموزش عالی شهید بلخی (ره)، گام دیگری در عرصه‌ی کارهای فرهنگی برای آینده مردم ما برداشت. مجتمع آموزش عالی شهید بلخی (ره) با پذیرش حدود هشتاد دانشجو در رشته‌ی حقوق از میان طلاب، کارش را آغاز کرد که برخی از فارغ‌التحصیلان آن، الان، در مدیریت اجرایی کشور و برخی دیگر به عنوان استاد در دانشگاه و دانشکده‌های کابل و بامیان ایفای وظیفه می‌کنند. رهبر شهید (ره) به این مجتمع عالی چنان اهمیت می‌داد که برای آشنایی دانشجویان، با قوانین افغانستان، کتاب‌های قوانین اساسی، جزایی، مدنی و سایر کتب قوانین را که با مهر شخصی عبدالواحد سرابی مهور بود، فرستاده بود. این در حالی بود که غرب کابل در آتش جنگ تحمیلی انحصارطلبان روزها و شب‌هایش را سپری می‌کرد. اما متأسفانه با شهادت مظلومانه‌ی رهبر شهید (ره) مجتمع آموزش عالی شهید بلخی (ره) نیز تعطیل شد.

دانشگاه بامیان که امروزه پذیرای هزاران دانشجو، در چند رشته‌ی مختلف است، طرح تأسیس آن از سوی رهبر شهید (ره) ارائه گردیده است. (استاد محمد محقق) اما چون رهبر

۱- حمزه واعظی، زنده تر از تو کسی نیست، همان، ص ۷.

شهید(ره) به شهادت رسید، این کار توسط استاد خلیلی معاون ریاست جمهوری دنبال شد و دو سال بعد از شهادت رهبر(ره)، در سال ۱۳۷۵ افتتاح، و با پذیرش ۶۰۰ دانشجو و جذب ۳۴ استاد، عملاً کارش را آغاز کرد که هم اکنون یکی از بهترین دانشگاه‌های کشور به لحاظ علمی می‌باشد.<sup>۱</sup> بنابراین می‌توان گفت یکی از یادگارهای ماندگار رهبر شهید(ره) دانشگاه بامیان در محروم‌ترین نقطه‌ی کشور است.

تلاش‌های رهبر شهید(ره) در گرفتن بورس تحصیلی برای تحصیل دانشجویان مستعد، در خارج از کشور، یکی از موارد آینده‌نگری ایشان است. در راستای همین تلاش‌ها، در بهار ۱۳۷۴ بعد از شهادت رهبر شهید(ره)، کشور آذربایجان ۵۰۰ نفر را در دانشگاه‌های خود بورسیه نمود و تا چند سال پیش این روند ادامه داشت.<sup>۲</sup>

توجه به مراکز فرهنگی و پشتیبانی از آنها، یکی از کارهای رهبر شهید(ره) بود. به عنوان نمونه مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان یکی دیگر از یادگارهای رهبر شهید(ره) است که در آن تعدادی از نخبگان کشور، مشغول کارهای پژوهشی و تحقیقاتی شده و به انتشار فصلنامه‌ی وزین «سراج» همت گماشتند. تلاش برای ایجاد رسانه و شبکه‌ی رادیویی در بامیان، یکی از کارهای اساسی رهبر شهید(ره) برای آینده مردم شیعه و هزاره است.

## ۲) استقامت و پایداری

استقامت و پایداری یکی دیگر از ویژگی‌های رهبر شهید(ره) است. او در جامعه‌ای و از میان مردمی برخاسته بود که سال‌های سال بر آن‌ها ستم و تبعیض روا داشته شده و از حقوق اولیه و طبیعی خود محروم بودند و در برابر کسانی قرار داشت که برتری طلبی و زیاده‌خواهی جزء طبیعت و ذات آن‌ها گردیده بود. برای ساختن جامعه‌ای سالم و سر بلند و بدور از تبعیض نژادی، مذهبی و سیاسی، صبوری و استقامت و پایداری لازم بود. زندگی او چه در دوران مبارزه و جهاد علیه اشغال‌گران و چه در دوران مقاومت در برابر زیادی‌خواهان برای تثبیت حقوق مردم بیانگر صبوری بی‌حد و حصر او در برابر حوادث سخت و طوفان‌های شدید و مشکلات طاقت‌فرسا است. همین خصیصه سبب شده بود که او از یک فرد مبارز به تبلور آرمان یک ملت تبدیل شود؛ زیرا او با پایداری و استقامت بی‌نظیرش شخصیت ملیت‌های محروم و زجرکشیده افغانستان، به ویژه شیعیان را احیا نمود و برای آنان آرمان و هدف ایجاد

۱- علی، حلیمی، «شیعیان افغانستان، فرصتها و تهدیدها»، فصلنامه سخن صبا، سال دوم، شماره سوم، ص ۷۱.

۲- یاد یار مهربان، ویژه نامه پانزدهمین سالگرد رهبر شهید، اصفهان، سال ۱۳۸۸، ص ۱۴.



کرد و اعتماد به نفس داد و به محرومیت‌ها، رنج‌ها و دردهای تاریخی و مشکلات موجودشان، آشنا ساخت و انرژی عظیم نهفته در درون توده مردم را، جهت رفع تبعیض‌های ناروا و مناسبات ناعادلانه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اداری و فرهنگی به کار انداخت و در راستای تحقق خواسته‌های مشروع و به حق ملیت‌های محروم و ستم‌دیده، آن‌ها را بسیج و به بهترین وجه ممکن سازماندهی و متشکل ساخت. بدین‌سان پروسه‌ی وحدت توده‌های زجرکشیده و عدالت‌خواه افغانستان را به زیباترین شکل، طراحی و ساختمان آن را معماری نمود و چون از خود گذشته و در مردم و منافع و خواسته‌های آنان ذوب شده بود، امروزه به عنوان نماد پایداری، صبر و استقامت در میان مردم مطرح و همه‌ی عدالت‌خواهان و انسان‌های آزاده به او عشق ورزیده و او را تجسم عینی صبر، استقامت و پایداری می‌دانند.

### ۳) دقت در مصرف بیت المال

یکی دیگر از ویژگی‌های رهبر شهید (ره)، دقت در مصرف اموال عمومی است. او در طول مدت مسئولیت چه در دوران جهاد و چه در دوران مقاومت امکانات وسیع از اموال عمومی در اختیار داشت. اما به گفته‌ی همراهان شهید مزاری (ره) در مصرف آن بسیار دقیق و سخت‌گیر بوده است. یوسف واعظی می‌گوید: بر خلاف تبلیغات بدخواهان و حسودان ایشان در مصرف بیت‌المال بسیار سخت‌گیر بود به گونه‌ای که معروف شده بود پول گرفتن از مزاری (ره) کاری ساده‌ی نیست. همین سخت‌گیری ایشان موجب گلایه‌ی خیلی از دوستان و هم‌سنگران‌شان شده بود. ولی اگر تشخیص می‌داد که مصرف آن در مورد مصالح اسلام و مردم تمام می‌شود، از خرج آن ابایی نداشت.<sup>۱</sup>

رهبر شهید (ره) هیچ وقت حاضر نبود تا امکانات جهت منافع شخصی‌اش مصرف شود. واعظی می‌گوید: در یکی از مسائل که دشمن در آن برای درهم کوبیدن عزت مردم ما علیه رهبر شهید (ره) زیاد سرمایه‌گذاری کرده بود، با دو دوست دیگر نزد ایشان رفتیم و تقاضای پول برای خنثی کردن توطئه دشمن کردیم. چون مسأله کمی مربوط به ایشان می‌شد، علی‌رغم اصرار و توجیه ما، صریحاً جواب داد و با ناراحتی گفت: «امکانات که در اختیارم است، مربوط به حزب است و به عنوان امانت در دست من است و باید در جهت مصالح

۱- حمزه واعظی، زنده تر از تو کسی نیست، همان، ص ۹۴.

حزب و مردم مصرف کنم نه این که برای مصالح شخصی خود. آیا وجدان سالم این را قبول می کند که من به کسی از پول بیت المال بدهم تا برایم رأی بدهد هرگز این کار را نمی کنم.<sup>۱</sup>

رهبر شهید (ره) از نظر ویژگی های شخصیتی و سجایای اخلاقی یک انسان نمونه و تمام خصلت های انسانی، یک جا در او جمع شده بود. وجود همین خصیصه های انسانی، سبب شد که از او رهبری والا و نمونه بسازد.

## اهداف و آرمان های شهید مزاری (ره) در رهبری جامعه

شهید مزاری (ره) همانند دیگر رهبران ممتاز جهان، اهداف عالی های را مدنظر داشت که در واقع آن ها همان اهداف رهبری وی را نشان می دهد و برای دستیابی به آن ها تا پای جان ایستاد و جان خویش را فدای آرمانها و اهداف بلند خود نمود، در این گفتار به مهمترین اندیشه های استاد شهید که در سیره و سخنرانی و بیانیه ها و مصاحبه های رهبر شهید به وضوح می بینیم می پردازیم.

### عدالت اجتماعی

یکی از بنیان های اصلی تفکر شهید مزاری (ره) را عدالت اجتماعی تشکیل می دهد. او اندیشمند و متفکری است که با شناخت کامل از رنج های تاریخی مردمش، نظام انحصارگرایی زمانش را به چالش فراخوانده و برای آینده کشور و به خصوص ملیت های محروم این سرزمین، نظام مطلوب و عادلانه ای را به زیبایی ترسیم نموده و برای دستیابی به آن، راهکار ارائه می دهد؛ چه این که شهید مزاری (ره) به مردمی تعلق دارد که در گذشته از ستم دیده ترین و محروم ترین ساکنان این سرزمین بشمار می آمدند و دردها، رنج ها، تبعیض ها و بی عدالتی ها را با تمام وجود خویش لمس نموده و به دوش کشیده اند. شهید مزاری (ره) با ارزیابی از تاریخ گذشته، وضعیت جاری کشور و آرمان های مبارزاتی مردم آن، به این نتیجه رسیده بود که بحران های متمادی افغانستان فقط یک راه حل دارد و آن عدالت اجتماعی و وحدت ملی است. بنابراین، عدالت اجتماعی که مورد تأکید شهید مزاری (ره) است، هم معطوف به گذشته است و هم معطوف به زمان حاضر؛ از دیدگاه مزاری (ره) تاریخ گذشته ای افغانستان مملو از ظلم، تبعیض و بی عدالتی است که با توجه به فرمایشات ایشان به نمونه هایی از آن اشاره می نمایم: «در گذشته مردم ما از یک محرومیت تاریخی رنج می برده و در تمامی زمینه های

سیاسی، فرهنگی، عمرانی و اجتماعی بر آن‌ها ستم روا داشته شده است و انواع گوناگون تبعیض و مظالم، وجود داشته است که همه آن‌ها نتیجه حکومت قبایلی و سیستم انحصاری قدرت بوده است.<sup>۱</sup> شهید مزاری (ره) در بیان دیگری به مشروعیت قیام‌های رهایی‌بخش مردم مظلوم هزاره در دوران گذشته اشاره می‌کند و می‌فرماید: «ما مظلومان تاریخ بودیم، ما نمی‌خواستیم بالای کسی ظلم کنیم، ما می‌خواستیم از زیر بار ظلم بیرون آییم».<sup>۲</sup>

او با طرح یک پرسش اساسی، به یک واقعیت تاریخی اشاره می‌کند و آن را به چالش می‌کشد: «زمانی که عبدالرحمن تصمیم گرفت که حکومت مرکزی را به وجود بیاورد، همه‌ی حکومت‌های محلی با این مسئله مخالفت کردند: از شمال مخالفت کردند، از جنوب مخالفت کردند از غرب مخالفت کردند و از شرق مخالفت کردند؛ ولی چرا تنها ۶۲٪ مردم ما را از بین بردند؟ چرا؟»<sup>۳</sup> این جملات اشاره‌ای است به گذشته‌ی تلخ افغانستان که در آن نه تنها حقوق اقلیت‌ها که موجودیت آنان نیز همواره نادیده گرفته شده است.

شهید مزاری (ره) که از میان محروم‌ترین و ستم‌دیده‌ترین مردم برخاسته بود سال‌های ستم و پرمشقت مردمش را در بخش سیاسی و اجتماعی به زیبایی ترسیم می‌کند و در مورد تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های اداری می‌فرماید: «اگر جمعیت افغانستان را ۲۱ میلیون حساب کنیم و ثلث آن که ۷ میلیون می‌شود متعلق به ما است. اما با همین ۷ میلیون یک ولایت به نام، به دست هزاره نیست. بامیان که تازه ادعا می‌شود که به نام مردم هزاره است در مرکز، همه قومای تاجیک ما هستند. والی و تشکیلات از طرف مرکز تعیین می‌شد. و ما به سرنوشت خود حاکم نبودیم. ما که ثلث مردم افغانستان را تشکیل می‌دهیم از ۳۰ ولایت یک ولایت در اختیار ما نیست. این در کجای عدالت است؟ در کجای قانون است؟»<sup>۴</sup>

در جای دیگر نمونه‌ای دیگر از بی‌عدالتی اداری و تبعیض را این چنین بیان می‌کند: «در منطقه دره صوف که یک ولسوالی است قبل از انقلاب در زمان «ظاهر» چهل و سه هزار نفوس داشت. ولایتش که مرکز بود هیجده هزار نفر نفوس داشت. آن وقت یک نماینده از ولایت می‌آمد و یک نماینده از ولسوالی. در کنار این چهل و سه هزار نفر نفوس، یک ولسوالی دیگر

۱- رضا، ضیایی، چراغ راه، ناشر بنیاد رهبر شهید بابه مزاری نمایندگی اروپا، زمستان ۱۳۸۸، ص ۳۵.

۲- همان، ص ۳۵.

۳- بصیر احمد دولت آبادی، هزاره‌ها از قتل عام تا احیای هویت، (پیشین)، ص ۵۱.

۴- همان ص ۴۰.

از برادران اهل تسنن بود که دوازده هزار باشنده داشت. پس دوازده هزار هم یک رأی (نماینده) داشت و چهل و سه هزار هم یک رأی»<sup>۱</sup>.

نکته مهم این که، شهید مزاری (ره) آرمان‌ها و آرزوهایی را برجسته می‌کرد که شهروندان افغانستان با یک‌صدا تحقق آن را در کشور ضروری می‌دانستند. بنابراین، ایده‌ها و باورهای شهید مزاری (ره) در رگ و ریشه هویت انسانی و مناسبات اجتماعی مردم افغانستان، پیشاپیش موجود بود، شهید مزاری (ره) تنها آن‌ها را شناسایی، اولویت‌بندی و بر ملا ساخت؛ لذا نمی‌تواند فکر و اندیشه او مورد پذیرش عام قرار نگیرد. از آرمان‌های بلند شهید مزاری (ره) در جامعه افغانستان، این است که دیگر از ظلم و تبعیض خبری نباشد و همه ملیت‌ها حقوق حقه‌شان تأمین گردد و برادروار در کنار همدیگر زندگی نمایند. وی در این زمینه می‌فرماید: «ما می‌خواهیم ستم‌های چندین قرنه بر مردم افغانستان پایان یابد و جامعه‌ای به وجود آید که در آن از تبعیض، برتری‌گری، تفاخر و افزون‌خواهی، خبری نباشد و کلیه مردم افغانستان از هر قوم، نژاد و با هر رنگ و زبان، برادرانه و برابر زندگی کنند و حقوق حقه تمامی ملیت‌های افغانستان تأمین گردیده و آن‌ها بتوانند متناسب با میزان حضور و نقششان در جهاد چهارده ساله ضد روسی در تعیین سرنوشت سیاسی‌شان، سهم بگیرند»<sup>۲</sup>.

شهید مزاری (ره) معیار حضور ملیت‌های مختلف در ساختار قدرت کشور را، واقعیت‌های وجودی و تعداد نفوس می‌داند و با صراحت بیان می‌کند که بر این اساس، ملیت‌های مختلف در این کشور در تعیین سرنوشت سیاسی خود سهیم باشند: «هر ملیتی به تناسب واقعیت وجودی و حضور خود در این کشور، در سرنوشت سیاسی خود سهیم باشد و این مربوط به یک ملیت خاصی نیست. ملیت‌های مختلفی در این کشور وجود دارند. ما می‌خواهیم همه ملیت‌ها همان‌گونه که در جهاد سهم داشتند و تکالیفی که در طول جهاد پیش آمد، سهم داشتند شهید دادند و آواره شدند؛ باید در آینده این مملکت هم سهم داشته باشند»<sup>۳</sup>.

با توجه به این دیدگاه شهید مزاری (ره)، یکی از هم‌زمان و پیروانش می‌گوید: «اما آنچه که مزاری را امتیاز می‌دهد شوریدن در برابر مظالم اجتماعی است، مزاری درد و رنج صد ساله مردمش را درک کرده بود، مزاری بازمانده از قتل عام‌ها و آوارگی‌های توده‌های میلیونی مردمی بود که بسیاری از چیزهای خود را در همین سرزمین از دست داده بودند. مزاری میراث

۱- همان، ص ۳۷.

۲- ضیایی، چراغ راه؛ (پیشین)، ص ۳۶.

۳- همان، ص ۳۳.

مظلومان تاریخ بود، او می خواست در دورانی که ظهور کرد عدالت را در میان تمام اقوام افغانستان برگزار کند. دیگر در افغانستان هیچ قومی دشمن کس دیگری نباشد و هیچ قومی حق قوم دیگر را ضایع نکند. فلذا فرمولی را ارائه کرد که باید در ساختار نظام افغانستان هر قومی به اندازه شعاع وجودی خودش حضور داشته باشد اما این تفکر که بر خلاف سیستم حاکمیت صد ساله‌ای که در تاریخ افغانستان حکم فرما شده بود هیچ کسی تحمل این حرف را نداشت.<sup>۱</sup>

شهید مزاری(ره) معتقد بود اگر این معضل در افغانستان حل نشود و اقلیت‌ها همچنان در محرومیت و تبعیض ننگه داشته شوند مشکل افغانستان هیچ وقت حل نخواهد شد؛ براین اصل است که عدالت اجتماعی و به رسمیت شناختن حقوق تمامی افراد ساکن در افغانستان محور اندیشه سیاسی شهید مزاری(ره) را تشکیل می‌دهد: «ما مردم افغانستانیم هیچ نژادی را نمی‌خواهیم نفی کنیم. ترکمن است، هزاره است، تاجیک است، افغان است، ایماق است و دیگر اقوام هستند. همه آن‌ها بیایند در این مملکت برادروار زندگی کنند و هر کس به حقوقشان برسند و هر کس در باره‌ی سرنوشت خودش تصمیم بگیرد. این حرف ما است. اگر کسی بیاید و نژاد خود را حاکم بسازد، دیگران را نفی بکند این فاشیستی است این خلاف رسوم بین‌المللی است»<sup>۲</sup>.

وی هدف اساسی از مبارزات حق‌طلبانه و عدالت‌خواهانه خویش را این‌گونه بیان می‌کند: «هدف ما تشکیل یک حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی است»<sup>۳</sup>. بنابراین، می‌توان گفت که، عدالت‌خواهی و در یک کلام ماحصل اندیشه سیاسی رهبر شهید(ره) در این جمله از ایشان خلاصه می‌گردد: «لهذا حرفی را که در این جا خدمت شما عزیزان تذکر بدهم این است که از راه مذاکره سیاسی با گروه‌ها می‌نشینیم، حقوق ملت خود را خواهانیم و عدالت اجتماعی را در جامعه می‌خواهیم انحصار طلبی را نفی می‌کنیم، هر کس که باشد»<sup>۴</sup>.

---

۱- سوگنامه خورشید، (مجموعه سخنرانی‌های استاد محقق)، به کوشش محمدعسی رحیمی، تهران، موسسه راه فردای افغانستان، سال ۱۳۸۸، ص ۴۴.

۲- همان، ص ۳۳.

۳- ضیایی، چراغ راه، ص ۲۴۵.

۴- همان، ص ۱۰۲.

این جملات به روشنی بیانگر شعارها، اهداف و آرمان‌های بلند شهید مزاری (ره) است. او با شهادت مظلومانه‌اش به همگان ثابت نمود که به این شعارها و آرمان‌ها متعهد و صادق است و تحت هیچ شرایطی از آرمان عدالت‌خواهی‌اش دست بر نمی‌دارد. حاج کاظم یزدانی می‌نویسد: مزاری در هیچ شرایطی از قول و عهد و پیمان خویش عدول نکرد. او معتقد بود که عدالت اسلامی حکم می‌کند که تمام اقوام افغانستان در احراز پست‌های دولتی به اندازه شعاع وجودی خودش شریک و سهیم باشند. اعتلاجویی و انحصارطلبی را مردود می‌داند.<sup>۱</sup>

به باور بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی، رمز ماندگاری و جاودانگی شهید مزاری (ره) و اندیشه‌های سیاسی‌اش در همین صداقت، تعهد و عدالت‌خواهی است. او بر اساس همین آرمان و تعهدش، در هر شرایطی به فکر همه مردم محروم افغانستان بود و از رنج و محرومیت آنان رنج می‌برد. او حتی در شرایط سخت جنگ، هوشمندانه موضع می‌گرفت و عمل می‌نمود و حساب ملیت‌های مختلف را از سران انحصارگرا و مستبدشان جدا می‌دانست.

### وحدت ملی، همبستگی ملی و ملت‌سازی

شهید مزاری (ره)، با درک درست از اهمیت وحدت و احساس خطر از تفرقه و نفاق و با توجه به برتری‌طلبی و انحصارگری گروه‌های سیاسی مقیم پشاور به این نتیجه رسید که گروه‌های شیعی جز اتحاد کامل سیاسی - تشکیلاتی، هیچ راه دیگری برای ادامه‌ی حیات، کسب عزت و اقتدار و حفظ موجودیت و موقعیت خود ندارد. بر این اساس تلاش‌های وسیعی را آغاز کرد و با منطق قوی و استدلال متین و شکیبایی و بردباری تمام، حرکت جدیدی را در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۵ به سوی مقصد اصلی یعنی اتحاد واقعی شیعیان همیشه مظلوم افغانستان آغاز کرد و با نمایندگان با صلاحیت و تام الاختیار تمام گروه‌ها میثاق وحدت را امضا کرد<sup>۲</sup> این در اصل تشکیل وحدت بین گروه‌های موجود بود اما او در غرب کابل نیز همیشه از مردم می‌خواست که وحدت خود را حفظ نمایند: «امروز [دشمن] از وحدت شما می‌ترسند. امروز شما هیچ چیز ندارید غیر از وحدت و همبستگی، مواظب باشید تعهد بسپارید که یکی هستید هرکس بیاید در بین شما مسأله‌ی گروه، قوم، نژاد، تفرقه را تبلیغ نکند جلوش را بگیرد».<sup>۳</sup>

۱- یزدانی، فرزندان کوهستان، کابل، بی‌تا، ص ۱۶۱.

۲- منشور برادری، بنیاد رهبر شهید مزاری، سال ۱۳۷۹، ص ۱۲۹.

۳- بصیر احمد دولت آبادی، هزاره‌ها از قتل عام تا احیای هویت، پیشین، ص ۶۸ - ۶۹

وفاق و همگرایی ملی مهم‌ترین عنصر در پیدایش ملت واحد، همبستگی اقوام و ایجاد ساختار سیاسی عادلانه به شمار می‌آید. یک ملت وقتی می‌تواند ظهور مؤثر و قدرتمند در سطح جهانی داشته باشد که گرایش‌های قومی، زبانی و منطقه‌ای را مهار نموده و به تفاهم و تعامل کامل رسیده باشد. شهید مزاری (ره) به این مهم واقف بود و می‌خواست از طریق رعایت حقوق برابر افراد در جامعه، عرصه را برای ایجاد ملت واحد، انسجام ملی و تأمین حقوق شهروندی آماده نماید، و ملتی را به وجود بیاورد که در آن تفاوت‌های زبانی و نژادی مطرح نباشد و هیچ یک از اقوام افغانستان هیچ‌گونه خصومت و دشمنی را با اقوام دیگر نداشته باشد. و می‌گفت که: ما با همه‌ی تنظیم‌ها سر جنگ نداریم، دوست هستیم، با همه‌ی ملیت‌ها سر دشمنی نداریم و دوست هستیم و وحدت ملی را ما در افغانستان یک اصل می‌دانیم.<sup>۱</sup> شهید مزاری (ره) می‌خواهد بگوید نفاق ملی فاجعه بزرگی است و باید ریشه‌های آن را که سابقه‌ای طولانی در جامعه دارد، خشکاند و ملت جدیدی را بر پایه برادری و مشارکت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اقوام ساکن در کشور به وجود آورد.

در حوزه ملت‌سازی، شهید مزاری (ره)، تفکر و اندیشه‌ای فراقومی و فراجناحی را دنبال می‌کرد و لذا روی واژه‌های حکومت ملی، منافع ملی، رعایت حقوق ملیت‌ها، عدالت اجتماعی و... اصرار داشت. چون می‌دانست که این واژه‌گان علاوه بر بار معنوی و مادی که دارد، در بطن آن‌ها اندیشه‌ای سیاسی نهفته است، که می‌تواند بستر خیزش دموکراسی و روی کارآمدن یک حکومت ملی در افغانستان شود؛ زیرا او به این واقعیت پی برده بود که، امروز جامعه ملی در بین تمام گروه‌های انسانی از همه محکم‌تر است، بدین معنی که در صورت وجود تعارض بین همبستگی چند گروه اجتماعی، علایق ملی بر دیگران فایق آمد.<sup>۲</sup>

شهید مزاری (ره) اختلاف و نفاق ملی را مانع عمده در راه ایجاد ملت واحد، توسعه سیاسی و گسترش علایق ملی می‌دانست و معتقد بود، تا زمانی که نخبگان سیاسی جامعه ما از دلبستگی‌های نژادی و گروهی خود دست بر ندارند، محال است که وحدت ملی و یک ساختار سیاسی فراگیر و فراقومی و فراجناحی در افغانستان به وجود آید. بر این اساس رهبران سیاسی و حقوق‌دانان جامعه ما باید توجه داشته باشند که حکومت را باید با سعه صدر تشکیل دهند، تا هم مردم خود را شریک آن بدانند و هم برای تحکیم پایه‌های آن تلاش نمایند و این

۱- بصیر احمد دولت آبادی، هزاره‌ها از قتل عام تا احیای هویت، پیشین، ص ۱۴۶.

۲- حشمت الله عاملی، مبانی علم سیاست، انتشارات ابن سینا، سال ۱۳۵۱: ج ۱، ص ۲۸۵.

ممکن نیست مگر این که از قالب‌های محدود حزبی بیرون رفته و روی منافع و مصالح ملی تفکر صورت گرفته و تصمیم گرفته شود.<sup>۱</sup>

استاد شهید در یکی دیگر از سخنرانی‌هایش می‌گوید: ما این افتخار را داریم و حق داریم که به آن افتخار بکنیم که اولین قدم و گام را در زمینه وحدت ملی ما برداشته و وحدت ملی را ما بوجود آوردیم چرا؟ زمانی که برادران مجاهد ما در پاکستان بعد از سقوط دولت کمونیستی جلسه گرفتند و قدرت را میان خودشان تقسیم کردند و حقوق شیعه‌ها و هزاره‌ها را نادیده گرفتند، ما همچنان صبر کردیم و عقده‌ی بر خورد نکردیم خواستیم این مساله را بعدا وقتی که این برادران به کشور بازگشتند از راه تفاهم و مذاکره حل کنیم، نه از راه جنگ و خونریزی.<sup>۲</sup> متأسفانه این راه حل به خاطر افزون‌طلبی عده‌ای و دخالت عوامل خارجی ناکام ماند و افغانستانی که از امتحان جنگ با ابرقدرت شرق به کمک ارزش‌های اسلامی و جهادی سربلند بیرون آمده بود، به سوی یک بحران خانمان‌سوز و جنگ خانه به خانه کشانده شد و تمام زیربنای اقتصادی و اجتماعی آن از بین رفت و مردمش که به خاطر شجاعت، غیرت و وطن دوستی زبانزد عام و خاص در دنیا بودند، به مردمی آواره، فقیر و محروم مبدل گشتند و اقوامی که تا دیروز در سنگرهای جهاد دوشادوش همدیگر بدون آن که کمترین مشکلی داشته باشند، علیه تجاوزگران می‌جنگیدند، به دشمن‌های خونی و قسم‌خورده علیه همدیگر تبدیل شده و زخم‌های التیام‌نیافته خانواده‌های شهدا را با نمک ریختن به روی آن و از بین بردن سرپرست و عضوی دیگر از آنان تازه و تازه‌تر ساختند.

به جرأت می‌توان گفت که تلاش و فعالیت دلسوزانه‌ی رهبر شهید برای ایجاد وحدت ملی، در بین همه رهبران جهادی، منحصر به فرد بوده و در همین راستا طرح تشکیل شورای هماهنگی برای حل و فصل مشکلات کشور قابل دقت، تحلیل و ارزیابی می‌باشد.

## مبارزه با تبعیضات نژادی

از نظر مکتب انسان‌ساز اسلام، همه انسان‌ها اعم از سفید و سیاه، زرد و سرخ، غربی و شرقی خوش قیافه و بد قیافه و... زاده آدم و حوا و مخلوق خدای عز و جل بوده و از نظر خلقت، هیچ‌گونه فضیلت و برتری نسبت به یکدیگر ندارند، بلکه فضیلت و برتری تنها در سایه تقوا و اخلاق نیک و حسنه داشتن است لذا است که در قرآن می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا

۱- منشور برادری، بنیاد رهبر شهید مزاری، سال ۱۳۷۹: ص ۴۶۶.

۲- مجله سراج، نشریه مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، سال ۱۳۷۶، سال سوم، ش ۱۱، ص ۲۶۵.



خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأَنْتَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»<sup>۱</sup>

بنابراین، تمام افتخارات و امتیازات موهوم نژاد و زبان و منطوقی، و رنگ و خاک و خون و لهجه و لباس که امروز بازار گرم داشته و کاملاً بر احساسات نوع دوست و انسان دوست حکومت نموده و منشاء هزاران گرفتاری در سطح جوامع بشر شده است، از نظر مکتب جاوید اسلام مردود می‌باشد، دین اسلام، همه تفاخرات پوچ و بی‌ارزش قومی و گرایش‌های ناسیونالیستی و تعصبات کور نژادی و مذهبی را به شدت محکوم می‌نماید.

رهبر شهید که خود پرورش‌یافته دامن اسلام و قرآن است، از این درد بی‌درمان که جامعه و مردم ما، از آن روزی که سرزمین‌شان اسم افغانستان را به خود گرفته است با آن مواجه بوده و طعم تلخ آن را چشیده است، با تلخی یاد می‌نمایند، و می‌فرمایند: حکومتی که در اینجا (افغانستان) در طول دو صد و پنجاه سال بوده برای ما بسیار ناگوار بود و ما بسیار فشار دیدیم. زمانی که عبدالرحمن تصمیم گرفت که حکومت مرکزی را به وجود بیاورد، همه‌ی حکومت‌های محلی با این مسئله مخالفت کردند. . . ولی چرا تنها شصت و دو در صد مردم «هزاره» را از بین بردند؟<sup>۲</sup>

بر همین اساس است که یکی از اندیشه‌ها و اصول مبارزات او برگرفته از اصول و اندیشه‌های اسلامی و قرآنی است، اصل و اندیشه‌ی مبارزه با گرایش‌های نژادی و قومی و ناسیونالیستی است. آن بزرگ مرد تاریخ همیشه می‌فرمود: «باید انحصار حاکمیت قومی را بشکنیم ما باید تعصبات گوناگون نژادی را در جامعه افغانستان از بین ببریم، ما باید روحیه‌ای را در بین مردم خود بوجود آوریم که هیچ ملتی از انتصاب خود به ملیت خود ننگ نکنند و خجالت نکنند» او از ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض که برای محو و نابودی هویت جامعه هزاره در طول تاریخ بر مردم ما تحمیل شده است با تلخی یاد نموده و می‌فرماید: «طی سه صد سال محکوم بودیم در تاریخ افغانستان محو شده بودیم و کسی ما را با هویت هزاره قبول نداشت و هزاره گفتن و هزاره بودن، در این مملکت به زعم بعضی‌ها ننگ بود. ما در طول تاریخ افغانستان، سه، چهار بار قتل عام عمومی شده‌ایم که در دوران عبدالرحمن شصت و دو در صد، مردم ما از بین رفت»<sup>۳</sup>.

۱- قرآن کریم، حجرات، ۱۳.

۲- سراج، همان، ص ۲۵۶.

۳- بصیر احمد دولت آبادی، هزاره‌ها از قتل عام تا احیای هویت، پیشین، ص ۸۶.

او بر این عقیده بود که تا فرقه‌گرایی و نژادگرایی ریشه‌کن نشود و از بین نرود نمی‌توان در افغانستان از صلح و امنیت سخن گفت. ملت واحد و مبتنی بر عدالت اجتماعی در هر جامعه، یک ضرورت می‌باشد و زمانی تحقق می‌یابد که افراد آن جامعه به اراده مشترک رسیده و احساس تعلق به سرزمین واحد و مشترکات تاریخی و فرهنگی آنان را گردهم آورده باشد.

### احیای هویت و رسمیت بخشیدن مذهب شیعه

شهید مزاری(ره) می‌خواست در سرزمین افغانستان که خانه مشترک همه افغانستانی‌ها است، و همه اقوام از مذاهب مختلف در زیر پرچم اسلام، همه به همدیگر احترام بگذارد. هیچ قوم، قوم دیگری را و مذهبی دیگری را حق ندارد انکار بکند چون که با زور اسلحه نمی‌توان مذهبی را نفی و نابود کرد، اگر امکان داشت مذهب شیعه تا حالا باتمام تلاش‌های «بنی امیه و بنی عباس» و حکومت‌های ظالم و ستمکارشان که شیعه را همیشه در تحت ظلم ستم قرار داده بودند، باید نابود می‌شد، ولذا شهید مزاری(ره) بارها اعلام نمود که باید مذهب و هویت شیعیان هم به رسمیت برسد و کسی حق انکارش را ندارد گرچه در طول حکومت‌های ظالم گذشته برما ظلم‌های زیادی شده است.<sup>۱</sup>

«ما عاشق قیافه‌ی کسی نیستیم، سه چیز در این مملکت در آینده می‌خواهیم:

- ۱- رسمیت مذهب ما ۲- تشکیلات گذشته ظالمانه بوده و باید تغییر کند. ۳- شیعه در تصمیم‌گیری شریک باشد»<sup>۲</sup>.

شهید مزاری(ره) می‌خواست که در افغانستان مذهب شیعه را به رسمیت بشناسند و به شیعه‌ها اجازه بدهند که در حکومت و تصمیم‌گیری شریک باشند و تا آخرین لحظه هم بر این مطلب تأکید داشتند، مزاری طی مصاحبه با بی بی سی می‌گوید «حزب وحدت سیاست اصولی و ثابت دارد و معتقد است تا تمام ملیت‌ها، اقوام و مذاهب در تصمیم‌گیری شریک نباشد معضل حل نخواهد شد»<sup>۳</sup> دو مفهوم هزاره و تشیع در نظام فکری ایشان مفاهیم مترادف بشمار می‌آمدند و آزادی‌های فکری و فرهنگی نمی‌توانست از آزادی‌های اجتماعی قابل تفکیک باشد.

۱- ضیایی، چراغ راه، پیشین، ص ۲۶۹.

۲ - بصیر احمد دولت آبادی، هزاره‌ها از قتل عام تا احیای هویت، پیشین، ص ۷۵.

۳- ضیایی، چراغ راه، پیشین، ص ۲۸۳؛

## منابع قدرت در رهبری شهید مزاری (ره)

### الف) قدرت شخصیت شهید مزاری

در واقع قدرت شخصیتی و کاریزمای شهید مزاری (ره) هرگونه مانور قدرت قانونی را در سبک رهبری ایشان گرفته بود. برخورد صادق سیاه از چهره‌های اسطوره‌ای مقاومت‌های غرب کابل به خوبی نشان‌گر هدایت شخصیتی مزاری است. وقتی در لحظات سخت از صادق پرسیدند که برای بابه مزاری چه پیغام داری گفت زمستان شده و صادق سیاه کالا (لباس) ندارد، جواب مزاری این بود که اگر یک صادق سیاه بود کالا روان می‌کردم. . . صدها صادق سیاه بدون کالا است همان جا باش. صادق همان جا ماند تا شهید شد. در واقع برای صادق این مهم بود که بابه می‌داند که او در سنگر محکم است.<sup>۱</sup> این چنین همه مدافعان مردم مظلوم غرب کابل شیفته توجه و شخصیت شهید مزاری (ره) بودند.

### ب) قدرت بصیرت و شهید مزاری

مرجع دیگر قدرت مزاری را بصیرت تشکیل می‌دهد در واقع رویکرد رهبری بصیرت‌مدار در الگوی رهبری مزاری به چشم می‌خورد چون او در اکثر بیانی‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها بر بصیرت مردم تاکید داشت او به جامعه این چنین بصیرت می‌دهد: «شما دو چیز را مد نظر بگیرید، یکی توجه به خدا داشته باشید که خدا از همه قوی‌تر است دیگر این که کسی در بین شما خیانت نکند»<sup>۲</sup>.

بنیاد اندیشه

نمسی ۱۳۹۱

### ج) قدرت تخصص (دانایی) و شهید مزاری

قدرت تخصص از دیگر ویژگی‌های رهبری شهید مزاری (ره) بود او با دادن طرح وحدت ملی، طرح چهارجانبه، عدالت اجتماعی، نشان داد که به عنوان یک مدیر و رهبر سیاستمدار از توانایی لازم برای رهبری کشور برخوردار است. اشراف و تخصص او بر مسایل کشور موجب شده بود تا آینده‌نگری بسیار روشنی داشته باشد چنانکه در یکی از سخنرانی‌هایش می‌گوید: «اما در آینده کسی شما را حذف کرده نمی‌تواند و شما هستید و جایگاه خاصتان را در آینده دارید و من هیچ این مسأله را نفی نمی‌کنم که این دشمنان قسم‌خورده‌ی شما امکان دارد باز با

۱- عزیز رویش، پیشین، ص ۱۶۵

۲- بصیر احمد دولت آبادی، هزاره‌ها از قتل عام تا احیای هویت، پیشین، ۲۲۲

شما بجنگند ولی شما با پیمودن راه علی و حسین از این امتحان بیرون می‌آیید و راه سیاسی و جایگاه سیاسی‌تان را در آینده می‌گیرید. مطمئن باشید و هیچ ناراحتی نداشته باشید»<sup>۱</sup>

## د) قدرت مرجعیت

هنگامی گفته می‌شود فرد دارای قدرت مرجعیت است که به دلیل وفاداری پیروانش به او، توانایی لازم برای کنترل آنان را، دارا باشد. یکی از مبانی قدرت مرجعیت، برخوردار بودن فرد از نوعی جذبه یا کشش شخصی است که اصطلاحاً به آن کاریزما گفته می‌شود و عبارت است از جذابیت و مطلوبیت شخص به گونه‌ای که افراد دیگر تمایل به همانندی با او یا تبعیت از او داشته باشند.<sup>۲</sup> قدرت مرجعیت بیشتر با اعتماد، تشابه، پذیرش، محبت، میل به تقلید و تعلق‌های روحی همراه می‌باشد. به طور معمول قدرت مرجعیت به صورت تقلید ظاهر می‌شود.<sup>۳</sup>

شهید مزاری (ره) از قدرت مرجعیت بالایی برخوردار بوده است به نحوی که امروزه همه رهبران تشیع در افغانستان سعی می‌کنند به نحوی خود را منتسب به شهید مزاری (ره) نموده و ادعای میراث‌داری خط مزاری بزرگ را داشته باشند.

## بخش دوم: سبک رهبری شهید مزاری (ره)

در این بخش هدف اساسی، بررسی و تبیین سبک رهبری منحصر به فرد رهبر شهید می‌باشد. بدیهی است که مردان بزرگ و شخصیت‌های تاریخ‌ساز در حیات خود در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر شگرفی داشته‌اند و خواهند داشت. این شخصیت‌ها با جاذبه‌ها و دافعه‌های منحصر به فرد خویش در تحولات و دگرگونی‌های جامعه و اصلاح آن، نقش آفرینی کرده‌اند و می‌کنند و از پشتوانه‌ی گسترده‌ی مردمی برخوردارند. بی تردید یکی از این شخصیت‌های شخیص و تاریخ‌ساز کشور افغانستان شهید مزاری (ره) است. این شهید بزرگوار تأثیر بنیادی و عمیقی در عرصه‌های مختلف برای ملت‌های محروم و عدالت‌خواه به جای گذاشت که از این منظر شهید مزاری (ره) به عنوان رهبر توده عظیم ملت محروم، خود دارای ویژگی‌هایی خاص بود که باعث شد تا از او رهبری کاریزماتیک و تمام عیار بسازد.

۱- همان، ۱۴۸

۲- عباس شفیعی و دیگران؛ رفتار سازمانی با رویکرد اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵، ص ۱۷۹.

۳- گریفین و مورهد؛ رفتار سازمانی، مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران، مروارید، ۱۳۸۶، ص ۳۸۶.

در بسیاری از تئوریهای موجود در رهبری، به انسانها ذاتا توجه نمی‌شود، بلکه توجه به انسانها به خاطر افزایش کارایی و بهره‌وری است. همچنین در تئوریهای موجود رهبری، دیدگاه کوتاه مدتی را به انسان القا می‌کند که حداکثر برد آن از نظر زمانی، از چندین سال فراتر نمی‌رود ولی رهبری شهید مزاری(ره)، به انسان یک دید بلند مدت و عاقبت‌اندیش القا می‌کند.

### رهبری فرهمند (کاریزماتیک) شهید مزاری(ره)

در تئوری‌های اولیه، صفات و ویژگی‌های شخصیتی رهبر، در تئوریهای رفتاری، رفتار رهبر و در تئوریهای اقتضایی، موقعیت و شرایط رهبر اساس بحث و مطالعات بود، مثل تئوری خصوصیات رهبری که خصوصیات از قبیل هوش، هوشیاری، بصیرت، اعتماد به نفس و... همه آنها به نحوی در شهید مزاری(ره) وجود دارد که به برخی از این ویژگی‌ها در بخش قبلی اشاره نمودیم و همچنین در تئوری رفتار رهبری که مقصود از رفتار رهبر، سبک و شیوه برخورد رهبر با زیردستان است نیز به وضوح رفتار دلسوزانه شهید مزاری(ره) با زیردستان به وضوح دیده می‌شود به عنوان مثال او در عین این‌که رهبری مردم شیعه را به عهده داشت و از قدرت برخوردار بود، با مردم رفتار متواضعانه و دلسوزانه داشت و به حرف‌های مردم فروتنانه گوش می‌داد. یوسف واعظی در خاطره‌ای از رهبر شهید(ره) می‌گوید: «در سال شصت و چهار وقت اعزام نیرو یک شب در مرز بیرجند با هم بودیم، نان تمام شده بود. ایشان آستین را بالا زد و از آرد موجود خمیر کرد و بچه‌ها آتش روشن کردند. بهترین نان جبهه را پخت که برای مجاهدین برخوردشان تازگی داشت و به عنوان یادگاری از ایشان عکس‌ها تهیه کردند و هر یکی از مجاهدین در کنار ایشان عکس گرفتند و این برخورد سبب شده بود که مجاهدین و هم سنگرانشان او را از صمیم قلب دوست داشته در جبهات لقب «بابه» به او داده بودند»<sup>۱</sup>.

از میان تئوری‌های موجود در رهبری، تئوری رهبری فرهمند یا کاریزماتیک بیشترین شباهت را به رهبری شهید مزاری(ره) دارد؛ اگر چه باقی نظریات رهبری نیز برای رهبری شهید مزاری(ره) قابل تعریف است.

در رابطه با رهبری کاریزماتیک شهید مزاری(ره) نیز می‌توان گفت که تمام ویژگی‌های یک رهبر کاریزماتیک طبق نظر واران بنیس امریکایی را دارا بود و این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱- در هدف قاطعیت دارند و در عزم خود راسخ هستند. ۲- سیستم ارتباطی بسیار قوی دارند. ۳- در مسیر خود هیچ‌گاه دچار لغزش نمی‌شوند و در راه هدف‌های خود ثابت‌قدم هستند. ۴- آنان

۱- حمزه واعظی، زنده تر از تو کسی نیست، پیشین، ص ۹۵.

از توانایی‌های خود آگاهی دارند و می‌کوشند تا در این منابع سرمایه‌گذاری‌های کلان بکنند. همه این موارد در رهبری شهید مزاری (ره) وجود دارد؛ که به بیان آن‌ها می‌پردازیم:

۱. شهید مزاری (ره) به آرمان مقدسش ایمان راسخ دارد چون به حقیقت هدفش اعتقاد کامل دارد و این ایمان و اعتقاد در کلام او "در عمل او و در لحظه لحظه‌ی فعالیت و حرکت او به چشم می‌خورد" و این اعتقاد راسخ را به مخاطب خود منتقل می‌کند. آنجا که فریاد می‌زند که «ما عاشق قیافه‌ی هیچ کس نیستیم» سه چیز در این مملکت می‌خواهیم "یکی رسمیت مذهب تشیع" دیگری تغییر حکومت ظالمانه‌ی گذشته " سوم این‌که شیعه در تصمیم‌گیری شریک باشد».

۲. شهید مزاری (ره) عالمی عامل بود. ایشان از ارزش‌های بالای انسانی و اخلاقی چون سعه‌ی صدر، تواضع، عزت نفس، وقار و مردم دوستی و... برخوردار بودند. و لیکن با همه‌ی این ویژگی‌های متمایز باید گفت که از دلایل موفقیت بی‌نظیر آن بزرگوار در جامعه‌ی افغانستان، قدرت کلام و بیان پرنفوذ و تاثیرگذار ایشان بوده که مخاطب را به خود جذب کرده و شیفته می‌نمود.

شهید مزاری (ره) دردمند و دل‌سوخته از آنچه بر اقوام محروم افغانستان می‌گذرد، از دل سخن می‌گفت و سخنش لاجرم بر دل می‌نشست. لحن سخن دلنشین ایشان آمیخته با آرامش و تواضع و احساسی که از اعماق جان‌شان نشات می‌گرفت، پرحرارت از گرمای عشق خداوندی در نطق‌های پرشور متبلور می‌شد و در اندک زمان می‌توانست موجبات زدودن کینه‌ها، اصلاح انحرافات، و تباهی‌ها، هوشیاری اجتماعی، شکل‌گیری عزم ملی و افزایش صلح و برادری را مهیا نماید و البته ویژگی‌های آن بزرگوار چه از نظر ظاهر و جذابیت سیما که بیانگر صدها سال تحمل درد این ملت همراه با بلندنظری و بلندمندی که در چشمان او همواره نمایان بود و چه در ابعاد اخلاقی و انسانی در تاثیرگذاری سخنانش موثر بوده است، و باعث شد تا یک رابطه قوی و مستحکم بین مردم و شهید مزاری (ره) ایجاد شود.

آنجا که فریاد بر می‌آورد: (من تا آخرین لحظه در کنار مردم مظلوم غرب کابل خواهم بود و در آخر سرنوشتم یا اسارت است یا شهادت) کلامی نیست که لقلقه‌ی زبان باشد" بلکه کلامی است از روی باور" به طوری که در نهایت هم "بر عهد و کلام خود ماند و جاودانه شد.

۳. شهید مزاری (ره) هیچ گاه از اهداف والای خود برای جامعه شیعه افغانستان که همانا وحدت ملی، هویت سیاسی، عدالت اجتماعی و... بود، کوتاه نیامد و تا پای جان ایستاد. ایشان از قاطعیت و جرأت لازم برخوردار بود، دیدگاه‌ها و مواضعش را با صراحت، بی‌پرده و عریان مطرح می‌کرد و در مواقع لازم تصمیمات مقتضی را می‌گرفت، و همیشه در اجرای برنامه‌های خود برای رسیدن به هدف نهایی ثابت قدم بود و تا به هدف نمی‌رسید از پا نمی‌نشست، مقاومت سه ساله‌ی غرب کابل و موضع‌گیری‌های قاطع او در برابر زیادی خواهان و معامله‌گران بر همه ثابت کرد که او از چه جرأت و شجاعت و ثبات قدمی برخوردار بوده است. مرحوم حسین شفایی درباره این ویژگی رهبر شهید (ره) می‌گوید: «هرگاه تصمیم به کاری می‌گرفت، قاطعانه پشت آن می‌ایستاد و با دلاوری تمام آن را دنبال و تعقیب می‌کرد و از پیامدهای آن تردید و تشویش به دل راه نمی‌داد»<sup>۱</sup>.

۴. شهید مزاری (ره) با بررسی و مطالعه وضعیت افغانستان شرایط و عوامل اثرگذار محیطی را به خوبی شناسایی کرد و با بهره‌گیری از هوش و درایت قابل توجهی که داشت، محدودیت‌ها و ضعف‌ها و همچنین فرصت‌ها و پتانسیل موجود در فضای جامعه‌ی آن روز هزاره‌ها و شیعیان افغانستان را به خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و آن را مبنایی برای برنامه‌ریزی و جهت‌گیری فعالیت‌های خود قرار دادند.

### سبک رهبری شهید مزاری (ره) از میان سبک‌های موجود در رهبری

اینجا لازم می‌بینم که خلاصه‌ای از سبک‌های رهبری که در فصل دوم به آن اشاره داشتیم را با ارائه جدول بیان نمایم.

نظریه کرت لوین	نظریه لیکرت	نظریه رابرت هاوس	نظریه هرسی بلانچارد
آمرانه - دموکراتیک-بی قید	استبدادی بهره کش - استبدادی خیرخواهانه - مشارکتی - دموکراتیک	آمرانه - حمایتی - مشارکتی - توفیق گرا	دستوری - تشویقی - مشارکتی - تفویضی

جدول ارائه نظریات مختلف درباره سبک‌های رهبری

اما در رابطه با سبک رهبری شهید مزاری (ره) نمی‌توان گفت که وی از یک سبک مشخص همیشه در رهبری جامعه شیعی افغانستان استفاده می‌کرد بلکه ایشان تلفیقی از این سبک‌ها را در اداره جامعه با توجه به اقتضائات و موقعیت‌های موجود به کار می‌بردند. مثلاً رهبر شهید در بعضی موارد از سبک آمرانه یا دستوری استفاده می‌کردند، شهید مزاری (ره) یکی از فرماندهان بزرگ جنگ علیه استکبار و ظلم بود، و فرامین زیادی از شهید مزاری (ره) برای فرماندهان و قوماندانان زیردست وی جهت مقاومت و دفاع از جان و مال و ناموس مردم مظلوم صادر شد، که اوج این دفاع و مقاومت را ما در غرب کابل شاهد و ناظر بودیم. یا به عنوان نمونه در آنجا که شهید مزاری (ره) از تمام مردم می‌خواهد که برای دفاع از هویت خویش به دفاع بپردازند اینچنین می‌فرماید: این رسالت همه برادران بخصوص آنهایی که در خارج زندگی می‌کنند است که از هویت مردم خود دفاع کنند و تبلیغات کنند.<sup>۱</sup> و نمونه دیگر آن دستور دادن رهبر شهید به برخی از زبده‌ترین نیروهای نظامی خود برای مقابله با پیشروی‌های گروه طالبان در شهر غزنی می‌باشد.<sup>۲</sup>

از طرف دیگر گویا رهبر شهید همیشه این حدیث شریف که از پیامبر بزرگوار اسلام نقل شده را سرلوحه کار خویش قرار می‌دادند که (سید القوم خادمهم)<sup>۳</sup> همیشه همانند پدری دلسوز و مهربان خود را خادم قوم و ملت خویش می‌دیدند و از هیچ امری برای خدمت به ملیت‌های ستمدیده دریغ نمی‌کردند، وی به مردم مظلوم و عدالتخواه، امید و انگیزه ایجاد می‌کرد و آن‌ها را مورد تفقد و تشویق قرار می‌دادند بخصوص قشر جوان را که به تحصیل و رسیدن به مراتب بالای کمال رهنمون می‌شدند و حتی برای آنها در حد توان کمک می‌کرد تا بتواند بورسیه تحصیل در خارج از کشور را تهیه نماید. در فیلم‌هایی که در فضاهای اینترنتی گهگاهی پخش می‌شود به وضوح دیده می‌شود که رهبر شهید به جوانان ورزشکار هدایایی را جهت تشویق و ایجاد انگیزه به آنان هدیه می‌دهد.

شهید مزاری (ره) هیچ‌گاه بدون بررسی دقیق شرایط و امکانات دست به عملی نمی‌زدند و همیشه با مشاوران و فرماندهان جنگی و همچنین با مردم عادی جلسه مشورتی برگزار می‌کردند تا در رابطه با تغییر و تحولات موجود به یک نتیجه واحد رسیده و اقدامات لازم به عمل رسد. به عنوان مثال در سال ۱۳۷۲ وقتی محمود میستیری نماینده سازمان ملل در امور

۱ - رضا ضیایی، چراغ راه، ص ۶۹.

۲ - رضا ضیایی، چراغ راه، ص ۲۹.

۳ - شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۲۶.



افغانستان، به کابل آمد خواهان دیدار با شهید مزاری (ره) شد، از هر قشری که در اطرافش بود، برای مشورت دعوت کرد شهید مزاری (ره) علاوه بر مشورت در رهبری خود افراد را در رده‌های مختلف به هم ارتباط می‌داد و از هرگونه دخالت فردی در امور تشکیلاتی اجتناب می‌کرد.<sup>۱</sup> در واقع سبک مشارکتی در رهبری شهید مزاری (ره) این گونه بود که همگان را به مشارکت و مشورت‌خواهی دعوت می‌کرد و وقتی نظری در جمع مورد قبول قرار می‌گرفت، از آن درست مانند نظر خودش جانب‌داری می‌کرد.

از آنجا که هر رهبری در هر سازمان توانایی انجام همه امور به تنهایی را ندارند شهید مزاری (ره) نیز از این قاعده مستثنی نبودند و برای تسریع و دقت در انجام وظایف با صلاحدید و مشورت دیگران به انتخاب افراد جهت انجام امور می‌پرداختند. به عنوان مثال هنگامی که نماینده سازمان ملل در افغانستان از شهید مزاری (ره) یک نماینده می‌طلبید، ایشان آقای خلیلی را به عنوان نماینده خود و حزب وحدت معرفی می‌کند.<sup>۲</sup>

به طور کلی می‌توان گفت که هر کدام از مدل‌های رهبری، اعم از سنتی، رفتاری و اقتضایی فقط یک بعد یا ابعادی از رهبری شهید مزاری (ره) را در بر می‌گیرند و از بیان تمام ابعاد شخصیتی ایشان در حوزه رهبری ناتوان هستند چرا که مدل‌های رهبری معمولاً در بستر وجودی مادی، تفسیر شده، رهبرانی را مورد بررسی قرار داده که از اندیشه‌های خالص دینی برخوردار نبوده، یا در آن مدل‌ها از جنبه‌های دینی رهبران غفلت شده، فقط به ابعاد مادی توجه گردیده است. اگر کسی بخواهد در مورد سبک رهبری رهبرانی همچون شهید مزاری (ره) مطالعه کند، لازم است به اندیشه دینی و به تعبیری ابعاد معنوی الهی آن‌ها نیز توجه کند و اساس این نوع رهبران الهی را باید در بستر دینی و معنوی بررسی کرد.

رهبر شهید با توجه به دارا بودن منابع قدرتی همچون قدرت شخصیت، قدرت بصیرت، قدرت مرجعیت و قدرت تخصصی و از طرفی چون خود عالم دین و از متن اسلام و دیانت بوده و خصایص و ویژگی‌های کم‌نظیری که در او سراغ داریم، رهبری خود را مرهون آموزه‌های ناب اسلامی است و به همین جهت می‌توان رهبری شهید مزاری (ره) را برگرفته از رهبری اسلامی دانست؛ زیرا سبکی که شهید مزاری (ره) در رهبری جامعه شیعیان افغانستان داشتند برگرفته از تقوا، عدالت، اطاعت از خدا و سعه صدر و... بود که در طول حیات شهید مزاری (ره) تبلور داشته است و باعث نفوذ بی‌بدیلی در دل‌های مردم محروم و مظلوم شد که

۱- عزیز رویش، بگذار نفس بکشم، پیشین، ص ۱۶۰.

۲- رضا ضیایی، چراغ راه، ص ۲۹۲.

با گذشت سال‌ها از شهادت این بزرگ‌مرد باز هم در سرتاسر دنیا هر ساله مردم عدالتخواه در سالگرد شهادتش به سوگ نشسته و از ادامه راه او سخن به میان می‌آورند و در طلب رسیدن به آرمان‌های بزرگش می‌کوشند.

بنا بر این می‌توان سبک رهبری شهید مزاری(ره) را تلفیقی از سبک‌های موجود در نظریات مدیریت غربی و رهبری اسلامی دانست و همواره مدیریت و رهبری شهید مزاری(ره) در سطوح مختلف به عنوان یک الگو پیش روی رهبران جوامع محروم و مظلوم تاریخ خواهد بود.

## دستاوردهای رهبری شهید مزاری

با توجه به مطالبی که درباره رهبری شهید مزاری(ره) و ارائه یک سبک جامع برای رهبری ایشان بیان شد، برای خوانندگان عزیز شاید این سوال مطرح شود که دستاوردهای این رهبری چه بوده است؟

در ادامه به دستاوردهای رهبری شهید، می‌پردازیم.

### الف) هویت یابی ملی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای رهبری شهید مزاری(ره) هویت‌یابی ملی است، هویت‌یابی ملی به معنی شناخت درست از جایگاه اجتماعی و سیاسی است که در سطح ملی و در رابطه با هویت‌های دیگر مطرح می‌گردد رهبری شهید مزاری(ره) باعث گردید که طی سه سال مقاومت غرب کابل تاریخ گذشته مردم و شیعیان مورد تحلیل قرار گرفته و آسیب‌هایی که به عقب‌ماندگی فرهنگی، مدیریتی، و ساختار اجتماعی و نبود آگاهی سیاسی مربوط می‌گردید بازشناسی شده و ساختار جدیدی معرفی گردد.

### ب) احیای هویت هزاره‌ها

دومین دستاورد رهبری شهید مزاری، احیای هویت مردم هزاره است، مردمی که در اثر سال‌های متمادی ظلم و استبداد، پیش‌داوری و تبعیض و الگوهای ناسالم روابط اقوام در افغانستان، سعی در کتمان هویت‌شان داشتند روش‌هایی چون ادغام و جذب در فرهنگ گروه اکثریت و... را در پیش گرفته بودند، در اثر رهبری شهید مزاری، به یک باره احساس غرور و اعتماد به نفس را در وجودشان احساس کردند و با افتخار تمام خود را هزاره معرفی کردند و گروه اکثریت را وا داشتند که به این واقعیت اجتماعی تن در دهند که افغانستان یک کشوری است با تنوع فرهنگی و قومی و...

### ج) رسمی شدن مذهب تشیع

شهید مزاری (ره) با اعلام این استراتژی که: «ما در افغانستان سه چیز می‌خواهیم: یکی رسمیت مذهب ما و دیگر این که تشکیلات گذشته ظالمانه تغییر کند و سوم این که شیعه در تصمیم‌گیری شریک باشد» تلاش‌های بسیار اثربخش و کارایی را برای رسمیت یافتن مذهب تشیع انجام داد که در اثر همین پافشاری‌ها بود که بالاخره در قانون اساسی جدید افغانستان، تشیع نیز جزء دو مذهب رسمی افغانستان گردید "ماده صد و سی و یکم" آنچه در قانون اساسی آمده است علاوه بر جنبه هویتی رسمیت مذهب تشیع، جنبه حقوقی و سیاسی آن نیز بسیار مهم به حساب می‌آید و این مسئله یعنی رسمیت یافتن مذهب تشیع یکی از برجسته‌ترین و کاربردی‌ترین دستاورد رهبری شهید مزاری (ره) به حساب می‌آید.

### د) فرصت‌سازی

فرصت‌سازی یکی از دستاوردهای مهم رهبری شهید مزاری (ره) به حساب می‌آید امروزه به برکت آینده‌نگری و تیزهوشی شهید مزاری (ره) خیلی از فرصت‌های شغلی و به خصوص بعضی از مقام‌ها و پست‌های دولتی که قبلاً برای مردم هزاره امکان ورود به آن‌ها نبود امروزه مردم هزاره ولو با توجه با فشار افکار عمومی و فضای اجتماعی حاکم بر افغانستان که حداقل در شعار برابری فرصت‌ها را فریاد می‌زنند، وارد آن مشاغل و پست‌های دولتی شده‌اند مثل معاونت دوم ریاست جمهوری، تعدادی از وزارتخانه‌ها و والی و ریاست پلیس بعضی از ولایات افغانستان، تعداد نماینده‌های پارلمان و مخصوصاً انتخاب همه نمایندگان ولایت غزنی را می‌توان مرهون رهبری شهید مزاری (ره) دانست.

### ه) ایجاد الگوی جدید رهبری

رویکرد شهید مزاری (ره) در مواجهه با بحران‌های سیاسی اجتماعی، یک الگوی جدیدی از رهبری را به نمایش گذاشت که این امر محصول شعور بالای سیاسی مردم و مدیریت و رهبری آگاهانه شهید مزاری (ره) می‌باشد شهید مزاری (ره) با استفاده از مشورت‌خواهی، ایجاد و تقویت خودباوری، تصمیم‌سازی و مشارکت برابر اقوام و... یک الگوی جدید رهبری را در افغانستان معرفی نمود.